

اعتراض بازاری‌ها
تعطیلی برخی واحدهای صنعتیآینده سرمایه‌های ایران
وضعیت دارایی‌های ایران در ونزوئلا و سوریهخدا حافظی با رئیس
سعید پیردوست درگذشتجراحی سفردها
تأثیر حذف ارز ترجیحی بر زندگی مردمفریب مردم
هشدار عبدالکریم سروش
به سران اسرائیل و آمریکا

یادداشت روز

نگرانی پنهان بیماران

افزایش قیمت دارو، فشارها را مضاعف کرده است



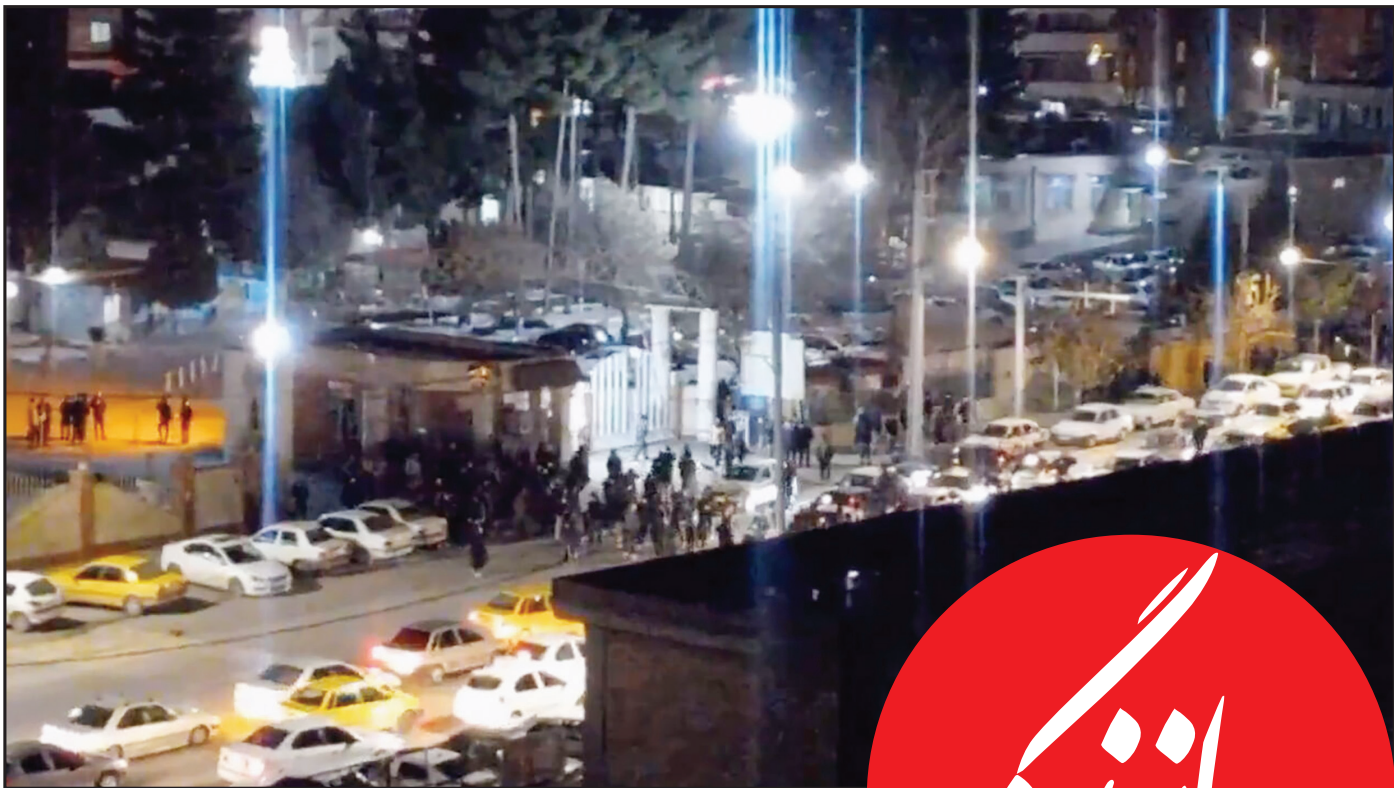
فرزانه ترکان

عضو شورای مرکزی و معاون فرهنگی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران

موضعی که دولت طی سال‌های گذشته برای بخش درمان، به‌ویژه حوزه دارو، اتخاذ کرده و همچنان تا حدی نیز ادامه دارد، اختصاص ارز ترجیحی به این بخش است. این سیاست سال‌هاست به یکی از مباحث اصلی و جدی در اقتصاد سلامت ایران تبدیل شده است؛ از این منظر که آیا چنین رویکردی منجر به تشدید قاچاق دارو نمی‌شود که شواهد موجود نشان می‌دهد متأسفانه این اتفاق رخ داده همچنین این پرسش اساسی که میزان بهره‌مندی واقعی مردم از این حمایت‌ها تا چه حد بوده و چه میزان از آن، در عمل، از طریق ایجاد مسیرهای جانبی و قاچاق به ضرر مردم تمام شده است. آنچه امروز متخصصان اقتصاد سلامت به آن باور دارند، این است که قیمت دارو در ایران حتی پایین‌تر از هزینه واقعی تولید و ساخت آن محاسبه می‌شود و دولت طی سالیان گذشته با اختصاص یارانه از این حوزه حمایت کرده است؛ هرچند در سال‌های اخیر این حمایت‌ها کاهش یافته و استمرار و شدت سابق را نداشته است. با توجه به افزایش قیمت مواد اولیه وارداتی، مشکلات جدی شرکت‌های داروسازی در حوزه نیروی انسانی، هزینه‌های انرژی و تأمین مواد اولیه، افزایش قیمت دارو به موضوعی اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. در صورت عدم اصلاح این وضعیت، این نگرانی به‌طور جدی مطرح می‌شود که کیفیت داروهای تولید داخل کاهش یافته باشد. این موضوع به‌ویژه زمانی اهمیت می‌یابد که برای بیمار، داروی مسکن یا آنتی‌بیوتیک تجویز می‌شود و این پرسش مطرح است که آیا اثرگذاری دارو همان اثر بخشی مورد انتظار را دارد یا خیر. برای رفع این شائبه همچنین جلوگیری از تعطیلی شرکت‌های داروسازی و تضمین تأمین پایدار داروهای مورد نیاز مردم، افزایش قیمت دارو امری ناگزیر است؛ همان‌گونه که افزایش قیمت در سایر اقلام ضروری زندگی مردم ازجمله مواد غذایی، پوشاک و مواد شوینده نیز رخ داده است. اما پرسش اساسی این است که چه باید کرد تا فشار ناشی از این افزایش قیمت، بار مضاعفی بر دوش مردم تحمیل نکند و از سوی دیگر، افزایش قیمت بتواند، اثر مثبت خود را در کاهش قاچاق دارو نیز ایفا کند. در این نقطه، بار دیگر به حلقه مفقوده‌ای می‌رسیم که به‌نظر می‌رسد همواره در نظام درمان کشور مغفول مانده و کمتر مورد بازخواست قرار گرفته است؛ و آن، نقش سازمان‌های بیمه‌گر است. بدیهی است اگر قیمت دارو افزایش می‌یابد نباید بار آن مستقیماً بر دوش مردم قرار گیرد و در سبب هزینه‌های ماهانه خانواده‌ها اختلال ایجاد کند. قطعاً این وظیفه بیمه‌هاست که با ایفای نقش مؤثر، افزایش قیمت دارو را از طریق افزایش تعهدات و پرداخت‌های خود جبران کنند. بیماری که سال‌ها به‌عنوان یک کارگر تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی حق بیمه پرداخت کرده است، حق دارد دارویی با کیفیت مناسب (با قیمت بالاتر) دریافت کند بدون آنکه فشار مالی مضاعفی متحمل شود. در غیر این صورت، هم اقشار ضعیف جامعه تحت‌فشار قرار می‌گیرند و هم با کاهش کیفیت دارو مواجه خواهیم شد. این موضوع تنها به حوزه دارو محدود نمی‌شود و در بخش درمان نیز مصداق دارد. زمانی که افزایش هزینه‌های درمان، تعرفه‌های خدمات پزشکی و درمانی را پوشش نمی‌دهد، بار سنگینی یا بر دوش مردم تحمیل می‌شود یا ناخواسته بر عهده کادر درمان و نظام سلامت قرار می‌گیرد که این امر به‌هیچ‌وجه منصفانه و قابل قبول نیست. پزشکان، پرستاران، داروسازان و دندانپزشکان نیز بخشی از بازار کار هستند و همانند سایر اقشار جامعه نیازمند تطبیق درآمد خود با نرخ تورم و افزایش هزینه‌های زندگی هستند. اما بیمه‌هایی که سال‌ها مبالغ قابل‌توجهی را تحت عنوان حق بیمه از مردم دریافت کرده‌اند نباید امروز با توجیه ورشکستگی از ایفای مسئولیت خود شانه خالی کنند. اگر واقعاً با بحران مالی مواجه‌اند، لازم است علل آن به‌صورت شفاف مشخص شود؛ اینکه هزینه‌ها در کجا افزایش یافته، منابع در کجا به‌درستی مدیریت نشده و چگونه می‌توان مطالبات به‌حق مردم را پاسخ داد. در نهایت اینکه، بنده با افزایش قیمت دارو موافقم، مشروط بر آنکه بیمه‌ها به‌عنوان تأمین‌کننده اصلی این افزایش هزینه همچنان در میدان باقی‌مانند و نقش حمایتی خود را به‌طور جدی ایفا کنند تا فشار اقتصادی متوجه مردم نشود و دسترسی به داروی باکیفیت برای همه اقشار جامعه حفظ شود.

در ایلام چه خبر بود؟

رئیس‌جمهور طی دستوری ویژه به وزیر کشور خواستار پیگیری وضعیت درگیری در ایلام و بیمارستان امام خمینی این شهر شد و تأکید کرد تا تیمی ویژه به بررسی همه‌جانبه ابعاد این حادثه بپردازد



عاطفه شمس

گروه سیاسی



اعتراضات معیشتی شنبه و یک‌شنبه در شهرستان ملک‌شاهی ایلام، پس از آنکه به‌جان باختن و جراحت شماری از شهروندان و کشیده شدن درگیری به یک مرکز درمانی انجامید به یک بحران اجتماعی بدل شد. ابعاد این حوادث، واکنشی فوری و زنجیره‌ای از سوی مقامات ارشد کشور را در پی داشت؛ رئیس‌جمهور با صدور دستوری ویژه خواستار بررسی همه‌جانبه، شفاف و بی‌طرفانه ابعاد

ماجرای شد، وزارت کشور هیاتی حقیقت‌یاب به منطقه اعزام کرد و وزارت بهداشت نیز با صدور بیانیه‌ای، از حریم نظام سلامت دفاع کرد. این سطح از واکنش، نشان از حساسیت بالای بحرانی دارد که ریشه‌های آن در مشکلات اقتصادی است.

تأکید رئیس‌جمهور بر شفافیت و بررسی همه‌جانبه

به‌دنبال تشدید ناآرامی‌ها در استان ایلام، رئیس‌جمهور شامگاه دوشنبه ۱۵ دی ماه واکنشی قاطع و فوری نشان داد. او طی دستوری مستقیم به وزیر کشور، خواستار

تشکیل یک تیم ویژه برای بررسی «همه‌جانبه» ابعاد حوادث شد. رئیس‌جمهور تأکید کرد که تیمی متشکل از مسئولان ذی‌ربط باید به‌صورت دقیق و کارشناسی، علل و زمینه‌های بروز ناآرامی‌ها همچنین نحوه مواجهه با آن را مورد ارزیابی قرار دهد. تأکیدی که نشان می‌دهد هدف، فراتر از یک گزارش سطحی، دستیابی به درکی عمیق از ریشه‌های اجتماعی و امنیتی بحران است. یکی از مهم‌ترین فرازهای دستور پزشکان، تأکید صریح بر «شفاف‌سازی و تبیین دقیق واقعیت‌های رخ‌داده» است. این رویکرد پاسخی به روایت‌های متعدد و گاه متناقض میدانی و تلاشی برای اعتمادسازی و جلوگیری

از شکل‌گیری شایعات است. رئیس‌جمهور تصریح کرد که تصمیم‌گیری صحیح، مستلزم شناخت دقیق شرایط، شنیدن دیدگاه‌های مختلف و بررسی «مسئولانه و بی‌طرفانه» گزارش‌هاست. این عبارت، تعهدی از سوی دولت برای پرهیز از قضاوت‌های یک‌جانبه و تلاش برای احقاق حقوق تمام طرف‌های درگیر، اعم از شهروندان و نیروهای حافظ امنیت، تلقی می‌شود. درخواست برای ارائه گزارش جامع در «اسرع‌وقت» به دفتر رئیس‌جمهور نیز نشان از عزم دولت برای مدیریت سریع بحران و جلوگیری از فرسایشی شدن آن دارد.

ا ادامه در صفحه ۲

گزارش

بازار در اعتراض

تعطیلی برخی واحدهای صنفی و تجمع‌های پراکنده در مرکز تهران

گروه سیاسی: دیروز، قلب اقتصادی پایتخت، بازار بزرگ تهران و شریان‌های اصلی متصل به آن، شاهد اعتراض بازاریان و کسبه بود که در واکنش به آنچه «وضعیت نامناسب بازار ارز و شرایط اقتصادی» خوانده می‌شد از فعالیت دست کشیده و کرکره مغازه‌های خود را پایین کشیدند. این اعتراضات که به شکل تجمعات پراکنده در نقاط مختلف بروز کرد، در برخی موارد به مداخله نیروهای انتظامی و بازداشت تعدادی از تجمع‌کنندگان انجامید.

براساس گزارش میدانی خبرگزاری ایرنا از ساعات میانی روز سه‌شنبه، بخش‌هایی از بازار بزرگ تهران ازجمله راسته ۱۵ خرداد، بازار یک‌فروشان (چراغ برق)، سپهسالار و بازار کفش‌ها شاهد تجمع‌های محدود با حضور ده‌ها نفر بود. این تحرکات در چهارراه گل‌بندک نمود بیشتری داشت و برای مدتی فضای این محدوده را تحت‌تأثیر قرار داد. در این نقطه، با افزایش تعداد تجمع‌کنندگان و سر دادن شعارهایی، نیروهای انتظامی برای کنترل شرایط وارد عمل شدند که به بازداشت تعدادی از افراد انجامید.

ایرنا گزارش داده است که در ساعات اوج این تحرکات، فضای بازار حالت نیمه‌تعطیل به خود گرفت و بسیاری از کسبه با پایین کشیدن کرکره‌ها، فعالیت خود را متوقف کردند. بررسی‌های میدانی خبرنگاران این خبرگزاری همچنین نشان می‌دهد که همه افراد حاضر در تجمع‌ها از کسبه بازار نبودند. در مقابل، در محدوده‌هایی مانند علاءالدین و چارسو، تحرک قابل‌توجهی مشاهده نشد و تجمع‌ها در این نقاط پایان یافت، هرچند در راسته جمهوری، استقرار پرشمار نیروهای انتظامی و یگان‌های امدادی گزارش شد و تردد در این محدوده تحت کنترل قرار گرفت.

خبرگزاری ایسنا نیز در گزارشی جداگانه، وضعیت بازار تهران را در ساعت ۱۳ روز سه‌شنبه مورد بررسی قرار داده است. براساس مشاهدات خبرنگار ایسنا، بیشتر مغازه‌ها به‌ویژه در راسته ۱۵ خرداد و بازار بزرگ تعطیل بودند؛ تعطیلی‌ای که کسبه آن را ناشی از شرایط نامناسب بازار ارز و وضعیت اقتصادی عنوان می‌کردند. این گزارش حاکی است که برخلاف روز قبل، امروز بازارهای مختلف تهران شاهد اعتراض‌های صنفی بود که در نهایت به بسته شدن مغازه‌ها انجامید.

ایسنا می‌افزاید، پاساژهای علاءالدین و چارسو باز بودند اما بیشتر فروشندگان در بیرون از پاساژها حضور داشتند. در راسته فردوسی نیز بسته بودن اغلب صرافی‌ها به‌چشم می‌خورد که نشانه‌ای از اعتراض به نوسانات ارزی تلقی شد. خیابان جمهوری به سمت چهارراه استانبول نیز با تجمع بدون شعار تعدادی از افراد همراه بود که به‌نظر می‌رسید از کسبه باشند. اوج شلوغی‌ها طبق این گزارش در ۱۵ خرداد و بازار بزرگ تهران رقم خورد؛ به‌گونه‌ای که به دلیل ازدحام جمعیت، امکان ورود به داخل بازار وجود نداشت و بسیاری از افراد در حال ترک محل بودند.

همچنین بنا بر گزارش ایسنا، اکثر مغازه‌های راسته‌های خیام، چهارراه گل‌بندک، لاله‌زار، باغ سپهسالار و حسن‌آباد در زمان انتشار خبر تعطیل بوده‌اند. در مناطق مولوی و شوش نیز برخی مغازه‌داران به‌طور همزمان اقدام به پایین کشیدن کرکره‌ها کردند و نبود خرید و فروش روزانه به‌وضوح مشاهده می‌شد.

در همین حال، خبرگزاری فارس از برگزاری تجمع‌های پراکنده در مرکز تهران خبر داده است. به گزارش خبرنگار سیاسی فارس، محور اصلی این تجمع‌ها، گرانی و بی‌ثباتی بازار بوده و شعارهای سیاسی نقش کم‌رنگی داشته‌اند. این خبرگزاری تعداد تجمع‌کنندگان در محدوده ناصرخسرو را حدود ۱۵۰ نفر برآورد کرده که با ورود نیروهای پلیس، تجمع متفرق و افراد به کوچه‌های اطراف پراکنده شدند. فارس همچنین گزارش داده است که ایسن تجمع از بازار جعفری و پاساژ شیرازی آغاز و به سمت راسته اصلی بازار ادامه یافته و تجمع‌های کوچک‌تری نیز در خیابان سعدی، لاله‌زار و بازار آهن‌گرها شکل گرفته که بدون گسترش پایان یافته‌اند. طبق این گزارش، از ظهر روز سه‌شنبه، راسته‌های ۱۵ خرداد، بازار طلا و ناصرخسرو در اعتراض به افزایش قیمت ارز و نبود ثبات در قیمت کالاها تعطیل شده‌اند.

مجموع این گزارش‌ها نشان می‌دهد، بازار تهران روز گذشته تحت‌تأثیر اعتراض‌های صنفی پراکنده و تعطیلی گسترده واحدهای تجاری قرار داشته؛ وضعیتی که هرچند در بسیاری از نقاط بدون درگیری و با مداخله انتظامی کنترل شد اما بار دیگر حساسیت بازار نسبت به نوسانات اقتصادی و ارزی را برجسته کرد.

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

پایان ویژه‌خواری؟

رئیس‌جمهور می‌گوید: ناچار به حذف ارز ترجیحی است تا دست رانت‌خواران را حذف کند

گروه سیاسی: رئیس‌جمهور، روز گذشته در «همایش ملی جایگاه شورا‌های اسلامی و مشارکت مردم در قانون اساسی» با تشریح برنامه اصلاحات ساختاری دولت با قاطعیت اعلام کرد که به فکر رأی دور بعد نیست و هدفش خشکاندن ریشه فساد و ویژه‌خواری است. چالشی که به اذعان خودش، «کار ساده‌ای نیست». پزشکیان با اشاره به مقاومت‌ها در برابر این اصلاحات گفت: «وقتی در چنین امری مداخله می‌کنیم از بسیاری جاها به ما گیر می‌دهند و مسائل بسیاری را وارونه جلوه می‌دهند». او افزود: «به من می‌گویند حقوق را اضافه کن و مالیات هم بگیر؛ نفت هم که تحریم است. من این پول را از کجا بیاورم؟ برای ۲ درصد رشد بودجه، خودمان را تا جایی که ممکن بود، چلانیدیم». او تأکید کرد که تقصیر وضعیت فعلی بر گردن یک نفر نیست و دولت، مجلس و همه در آن نقش داشته‌اند.

پایان رانت ارزی

پزشکیان در ابتدای سخنانش، برنامه دولت برای اصلاح نظام ارزی و یارانه‌ای را تشریح و با زیر سؤال بردن عدالت در سیستم پیشین، این پرسش را مطرح کرد: «عدالت چطور پیاده می‌شود؟ با دادن ارز به عده‌ای که امضا بدهند یا دوست و آشنای من باشند و ارز ۷۰ هزار و ۲۸ هزار تومانی بگیرند و هر کسی هم با ما رابطه نداشت در نوبت بماند؟» براساس مدل جدید، ارز در تالار دوم عرضه می‌شود و منابع حاصل از مابه‌التفاوت قیمت آن به‌جای تخصیص به گروه‌های خاص، مستقیماً به‌حساب تمام مردم واریز می‌شود. رئیس‌جمهور در این باره گفت: «اکنون ارز در تالار دوم عرضه می‌شود و هر چقدر هم گران شود، مابه‌التفاوتش را به حساب مردم واریز می‌کنیم، ما که باید ارز بدهیم، آن ارز را به حساب همه مردم واریز می‌کنیم». پزشکیان برای روشن شدن ابعاد این رانت به یک نمونه اشاره کرد: «فردی امروز تماس گرفته که ارزی دریافت می‌کرده و می‌گوید ۱۰۰ میلیارد ضرر کردم، او ۱۰۰ میلیارد ضرر نکرده بلکه در حال دریافت ۱۰۰ میلیارد یارانه مابه‌التفاوت ارزی از ما بوده است». او با اشاره به سودهای کلان حاصل از این سیستم، عمق بی‌عدالتی را به تصویر کشید و افزود: «سود یک کنسٹی حامل نهاده‌های دامی به ۷۰۰ میلیارد تومان می‌رسد و این موضوع نشان‌دهنده، عمق ناعادلانه بودن توزیع

ادامه تیتیر یک

در ایلام چه خبر بود؟

همچنین دستور رئیس‌جمهور را می‌توان گامی مهم در راستای مدیریت مسئولانه بحران‌های اجتماعی دانست. تأکید بر شفافیت، بی‌طرفی و بررسی کارشناسی، رویکردی است که می‌تواند به کاهش تنش‌ها، ترمیم اعتماد عمومی و یافتن راه‌حل‌های پایدار برای مشکلات زمینه‌ای کمک کند.

اعزام هیات ویژه و تأکید بر صیانت از حقوق شهروندی

در پی دستور رئیس‌جمهور، اسکندر مومنی، وزیر کشور، بلافاصله اقدامات اجرایی را آغاز کرد. او با ابلاغ دستوری به معاون امنیتی و انتظامی خود یک هیات ویژه را با وظایفی مشخص، مأمور بررسی و پیگیری حوادث استان ایلام کرد. حضور این هیات در منطقه، که صبح دیروز عازم ایلام شد، می‌تواند به آرام‌سازی فضا و انتقال این پیام به مردم محلی کمک و این پیام را به آنان منتقل کند که مشکلات آنها در سطح ملی در حال پیگیری است. اما نکته برجسته در دستور وزیر کشور، تأکید دوگانه بر «رعایت دقت کامل در صیانت از حقوق شهروندان و تأمین‌کنندگان نظم و امنیت» است. این رویکرد متوازن، نشان از آن دارد که وزارت کشور به‌دنبال بررسی همه‌جانبه‌ای است که در آن، حقوق هیچ‌یک از طرفین نادیده گرفته نشود. این مسئله به‌ویژه از آن جهت حائز اهمیت است که در چنین حوادثی، همواره خطر تضییع حقوق شهروندان معترض یا اعمال فشار بر نیروهای انتظامی وجود دارد. پیش از این دستورات، وزیر کشور همچنین در اقدامی پیشگیرانه به استاندار ایلام دستور داده بود تا با «گفت‌وگوی همدلانه با متنفذان استان و معتمدان محلی» به‌منظور حفظ آرامش عمومی تلاش کند. رویکردی که نشان‌دهنده اهمیت استفاده از ظرفیت‌های محلی و ریش‌سفیدان برای حل‌وفصل مسالمت‌آمیز مسائل و جلوگیری از تشدید تنش‌هاست.

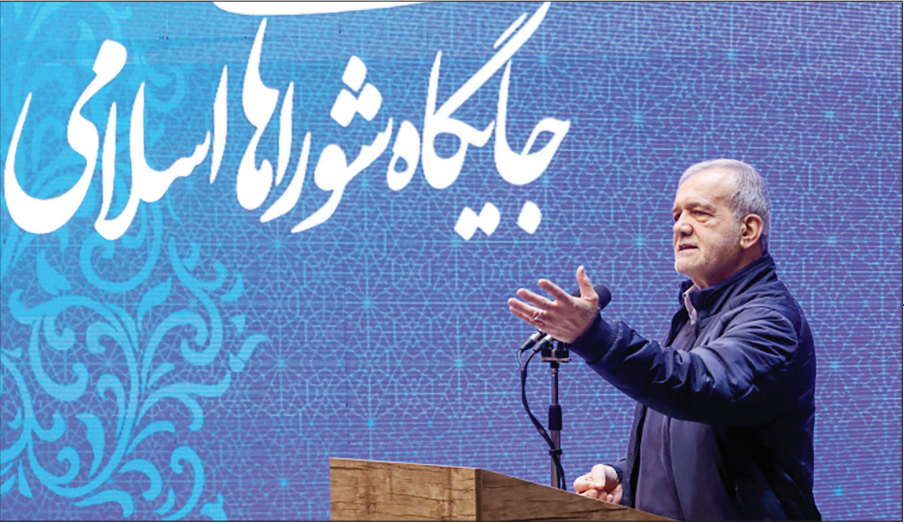
دفاع از حریم سلامت و بررسی حادثه بیمارستان

یکی از نگران‌کننده‌ترین ابعاد ناآرامی‌های ایلام، کشیده شدن تنش به داخل بیمارستان امام خمینی (ره) شهر ایلام بود. این حادثه واکنش صریح وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و صدور بیانیه‌ای

منابع است». هدف نهایی این جراحی اقتصادی، «خشکاندن این ریشه نادرست از بن» است؛ اقدامی که به گفته رئیس‌جمهور در شرایط فعلی کشور بسیار دشوار خواهد بود.

کنترل تورم و حمایت از معیشت

پزشکیان در پاسخ به نگرانی‌ها مبنی بر تورم‌زا بودن این سیاست‌ها، از طراحی یک بسته حمایتی برای حفاظت از قدرت خرید مردم خبر داد. او توضیح داد که یارانه جدید به‌گونه‌ای تنظیم شده که اثرات تورمی را خنثی کرده و حتی قدرت خرید اقشار ضعیف را افزایش دهد: «برخی ادعا می‌کنند، اجرای این سیاست‌ها موجب افزایش تورم خواهد شد اما محاسبات نشان می‌دهد، یارانه یک میلیون تومانی به ازای هر فرد، نه تنها حذف نخواهد شد بلکه در صورت افزایش نرخ ارز نیز متناسب با آن افزایش می‌یابد». وی افزود: «از این مبلغ حدود ۸۰۰ هزار تومان امکان تأمین ۱۱ یا ۱۲ قلم کالای اساسی و معیشتی را فراهم می‌کند». پیش از این، هزینه همین سبد کالا به دلیل تورم به یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان رسیده بود. بنابراین دولت با پرداخت یک میلیون تومان عملاً ۵۰۰ هزار تومان بیشتر از تورم ایجاد شده به مردم پرداخت می‌کند تا قدرت خرید آنها حفظ شود. این مدل به‌گونه‌ای طراحی شده که «دهک‌های اول تا سوم و حتی تا دهک ششم، منفعت بیشتری از این روند ببرند» و در مقابل دهک‌های پردرآمد که بیشترین بهره‌را از یارانه‌های پنهان گذشته می‌بردند با تعدیل مواجه شوند. پزشکیان در بخشی از سخنانش با بیان به اینکه «به من می‌گویند حقوق را اضافه کن و مالیات هم بگیر» افزود: «نفت هم که تحریم است، من این پول را از کجا بیاورم؟ برای ۲ درصد رشد بودجه خودمان را تا جایی که ممکن بود، چلانیدیم».



خانواده‌های زخمی‌ها نیز وارد این مرکز درمانی شدند. حضور این افراد به سرعت فضای بیمارستان را ملتهب کرد. براساس گزارش خبرگزاری فارس این افراد با تهدید کادر درمان، خواستار زنده ماندن تمام زخمی‌ها شدند. این تهدیدات و اشغال بخش‌هایی از بیمارستان موجب اختلال جدی در ارائه خدمات معمول به دیگر بیماران شد. درگیری‌ها از محوطه بیمارستان به خیابان‌های اطراف نیز کشیده شد و تا یک‌شنبه شب ادامه یافت. در جریان این درگیری‌ها، گزارش شده است که معترضان اقدام به پرتاب نارنجک به سمت نیروهای پلیس کردند که خوشبختانه منجر نشد. گفته می‌شود این افراد پیش‌تر نیز در ملک‌شاهی از نارنجک استفاده کرده بودند. خبرنگار فارس که خود را به داخل بیمارستان رسانده بود همچنین از تبدیل شدن بخش‌هایی از این مرکز درمانی به «سنگر» توسط معترضان خبر داد و مشاهدات خود را از وجود سنگ، آهن، چوب و حتی تلاش برای آماده‌سازی کوکتل‌مولوتوف در داخل بیمارستان گزارش کرد. همچنین گفت که به تعدادی از خودروهای شهروندان در محوطه آسیب وارد شده است. این درگیری‌ها تا حدود ساعت ۱۱ شب ادامه داشت و در نهایت با ورود نیروهای امنیتی و دستگیری تعدادی از افراد، اوضاع به‌تدریج به حالت عادی بازگشت. در پی وقوع این حادثه، الله‌نور کریمی‌تبار؛ نماینده ولی‌فقیه در استان، احمد گرمی؛ استاندار و اعضای شورای تأمین ایلام هم با صدور پیامی مشترک ضمن ابراز تأسف و همدردی با خانواده‌های داغدار بر پیگیری قاطع و شفاف ابعاد حادثه تأکید کردند. آنها ایل بزرگ ملک‌شاهی را «مرزداران غیور» و «شایسته تکریم» خواندند و اطمینان دادند که با هرگونه قصور احتمالی، برخورد قاطع صورت خواهد گرفت. نمایندگان استان ایلام نیز روز گذشته با اشاره به حادثه در شهرستان ملک‌شاهی در بیانیه‌ای تأکید کردند که این حادثه به‌صورت جدی و قاطع از طریق مراجع ذی‌ربط و قانونی پیگیری خواهد شد و با هرگونه قصور یا تقصیر احتمالی، مطابق قانون برخورد لازم صورت خواهد گرفت. این واکنش‌های محلی نیز در کنار اقدامات دولت مرکزی، نشان از تلاش برای دلجویی از مردم منطقه و پذیرش وجود مشکلات زمینه‌ای دارد.

آینده سرمایه‌های ایران

آیا دارایی‌های ایران در ونزوئلا و سوریه سوخت می‌شود؟

گروه بین‌الملل: روابط ایران و ونزوئلا طی سال‌های اخیر، یکی از نمونه‌های شاخص همکاری میان کشورهایی بوده است که تلاش کرده‌اند در برابر فشارهای خارجی و محدودیت‌های اقتصادی، الگوهای تازه‌ای از همگرایی را تجربه کنند. اعضای سند همکاری ۲۰ ساله در سال ۲۰۲۲ و نهایی شدن ده‌ها قرارداد در حوزه‌های صنعتی، انرژی، عمرانی و خدمات فنی، نشانه‌ای از اراده دو طرف برای تعمیق این شراکت بود. اما تحولات اخیر در کاراکاس و ربوده شدن نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا، فضای تازه‌ای از ابهام و پرسش را پیرامون آینده این همکاری‌ها پدید آورده است؛ پرسش‌هایی که نه صرفاً اقتصادی بلکه درهم‌تنیده با معادلات سیاسی و امنیتی منطقه‌ای است.

به نوشته یورونیوز، آمارهای موجود نشان می‌دهد، بخش قابل‌توجهی از مبادلات میان دو کشور خارج از چارچوب معمول تجارت رسمی انجام شده است. صادرات ثبت‌شده ایران به ونزوئلا کمتر از ۱۶۰ میلیون دلار برآورد می‌شود، درحالی‌که برآوردها از تبادلات چند میلیارد دلاری خبر می‌دهند که عمدتاً در قالب تهاتر و همکاری‌های انرژی شکل گرفته است. این وضعیت اگرچه در ظاهر نشان‌دهنده وزن بالای ایران در تجارت

دوجانبه است اما به همان اندازه پیگیری حقوقی مطالبات را دشوارتر می‌کند زیرا بخشی از این سازوکارها مبتنی بر توافقات خاص و خارج از مسیرهای متعارف گمرکی بوده است. در کنار تجارت، حضور ایران در پروژه‌های صنعتی و عمرانی ونزوئلا جایگاه مهمی داشته است. ایجاد کارخانه‌های مشترک خودروسازی، مشارکت در ساخت واحدهای مسکونی و فعالیت شرکت‌های ایرانی در نوسازی زیرساخت‌ها، بخشی از تلاش برای ایجاد ظرفیت تولیدی پایدار در این کشور بود. در حوزه انرژی نیز ایران با تعمیر و بهسازی پالایشگاه‌ها، ارائه خدمات فنی و حتی همکاری در تأمین میعانات و فرآورده‌ها، نقشی فعال ایفا کرد. این همکاری‌ها نه‌تنها بعد اقتصادی بلکه جنبه فناوریانه و ظرفیت‌ساز نیز داشته است.

اکنون با تغییر شرایط سیاسی، سرنوشت بخشی از این سرمایه‌گذاری‌ها در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. مقامات ایرانی بر این نکته تأکید می‌کنند که روابط اقتصادی میان دولت‌ها مبتنی بر توافقات رسمی است و با تغییر حاکمیت‌ها از بین نمی‌رود. به گفته مسئولان، بانک مرکزی و نهادهای ذی‌ربط در حال پیگیری مسیرهای قانونی برای صیانت از حقوق و مطالبات ایران هستند. این موضع‌گیری در واقع نشان

آمریکای لاتین

معامله با دشمن!

چرا رودریگز در ونزوئلا قدرت را در دست گرفت؟



پس از رپایش نیکلاس مادورو توسط دولت دونالد ترامپ، سیاست واشنگتن در قبال ونزوئلا شکل تازه‌ای به خود گرفته است. برخلاف انتظارات که تصور می‌شد، آمریکا قدرت را به ماریا کورینا ماچادو یا دیگر چهره‌های مخالف بسپارد، رویکرد جدید واشنگتن نشان می‌دهد که قصد دارد به‌طور عمل‌گرایانه با دلسی رودریگز که اکنون به‌عنوان رئیس‌جمهور موقت جانشین مادورو شده، وارد گفت‌وگو و معامله شود. این رویکرد تصویری پیچیده اما حساب‌شده از سیاست خارجی آمریکا ارائه می‌دهد.

این انتخاب، که در نگاه اول متناقض به‌نظر می‌رسد، ریشه در ترکیبی از محاسبات استراتژیک، تهدیدهای نظامی، اهرم‌های فشار اقتصادی و یک دکترین مشخص در سیاست خارجی دارد که منافع کوتاه‌مدت و قابل‌دسترس را بر آرمان‌های دموکراتیک بلندمدت ترجیح می‌دهد. اساس این رویکرد بر این باور استوار است که یک دشمن ضعیف و قابل‌کنترل، بهتر از یک دوست غیرقابل پیش‌بینی و فاقد قدرت اجرایی است. دولت آمریکا در این سناریو، دلسی رودریگز را نه به‌عنوان یک متحد بلکه به‌عنوان یک ابزار انتقالی برای تأمین

منافع خود می‌بیند. از دیدگاه تحلیل‌گران نزدیک به دولت ترامپ، مخالفان دولت در ونزوئلا، با وجود حمایت‌های لفظی غرب در عمل دچار تفرقه، فاقد ساختار منسجم و بدون نفوذ واقعی در بدنه ارتش و دستگاه‌های امنیتی کشور هستند. از نظر ایالات متحده، واگذاری قدرت به چنین گروهی می‌توانست ونزوئلا را به ورطه یک خلأ قدرت، جنگ داخلی یا هرج‌ومرجی غیرقابل کنترل بکشانند که نه‌تنها ثبات منطقه‌ای را به‌خطر می‌انداخت بلکه دسترسی به منابع حیاتی نفت را نیز با چالش جدی مواجه می‌کرد. در مقابل، رودریگز به‌عنوان فردی که از دل ساختار قدرت چاویستی بیرون آمده، کنترل نسبی بر نهادهای دولتی و نظامی را در دست دارد و می‌تواند از فروپاشی کامل نظم، جلوگیری کند. برای اطمینان از همسویی رودریگز، دولت ترامپ یک

بسته پیشنهادی-تهدیدی جامع را روی میز قرار می‌دهد که در آن، سرنوشت سیاسی و حتی شخصی رودریگز به اجرای مجموعه‌ای از خواسته‌های مشخص گره خورده است. این فهرست، اولویت‌های اصلی ایالات متحده را به‌وضوح ترسیم می‌کند. در صدر این فهرست، مقابله جدی با کارتل‌های موادمخدر و توقف جریان قاچاق به سمت آمریکای شمالی و مرکزی قرار دارد؛ موضوعی که همواره یکی از دغدغه‌های امنیتی اصلی واشنگتن بوده است. در کنار آن، اخراج فوری تمام نیروهای نظامی و اطلاعاتی خارجی که به‌عنوان دشمنان آمریکا تلقی می‌شوند، به‌ویژه عوامل ایرانی و کوبایی، به‌عنوان یک شرط غیرقابل مذاکره مطرح می‌شود. این خواسته، تلاشی برای بازگرداندن دکترین مونرو و پاک‌سازی نیم‌کره غربی از نفوذ قدرت‌های رقیب است. سومین خواسته، توقف کامل فروش



نفت ونزوئلا به کشورهای متخاصم با آمریکاست. این شرط نه‌تنها با هدف منزوی کردن رقبای ژئوپلیتیکی مانند چین و روسیه طراحی شده بلکه گامی اساسی در جهت به دست گرفتن کنترل کامل بر جریان اصلی اقتصاد ونزوئلا و هدایت آن به سمت بازارهای همسو با منافع ایالات متحده است. در نهایت، موضوع برگزاری انتخابات آزاد و دموکراتیک نیز در این بسته گنجانده شده اما به شکلی کاملاً حاشیه‌ای و بدون تعیین یک جدول زمانی مشخص. این امر نشان می‌دهد که دموکراسی‌سازی در ونزوئلا یک هدف واقعی نیست بلکه یک پوشش دیپلماتیک برای توجیه سیاستی است که در هسته خود، اهداف امنیتی و اقتصادی را دنبال می‌کند. ابزارهای وادار کردن رودریگز به پذیرش این شرایط، ترکیبی هوشمندانه از تهدید و تطمیع است. «چماق» این استراتژی، تهدید نظامی صریح و بی‌پرده است.



هنوز بخش‌هایی از آن تسویه نشده به‌عنوان یک هشدار مطرح می‌شود. این تجربه یادآور می‌کند که قراردادهای هرچند رسمی و معتبر باشند اما تغییر ناگهانی توازن قدرت و شرایط میدانی می‌تواند، مسیر وصول مطالبات را طولانی و پرهزینه کند.

در نهایت، چشم‌اندازی که از میان این داده‌ها پدیدار می‌شود چندان امیدوارکننده نیست. بخش مهمی از سرمایه‌گذاری‌های ایران در ونزوئلا با هدف ساختن یک پایگاه راهبردی در حیط خلوت آمریکا انجام شد و به‌عنوان ابزاری برای دور زدن تحریم‌ها تعریف شد. اما اکنون با تغییر معادلات قدرت و تداوم بحران اقتصادی در کاراکاس، خطر آن وجود دارد که این سرمایه‌ها هرگز به‌طور کامل بازگردانده نشوند. اگر این نگرانی به واقعیت تبدیل شود، پرونده ونزوئلا ممکن است به یک تکرار تلخ دیگر بدل شود؛ یادآوری اینکه سیاست، زمانی که بر اقتصاد سایه می‌اندازد، می‌تواند پرهزینه‌ترین شریک باشد.

اروپا

دعوا بر سر گرینلند

دیگر بس است!

نخست‌وزیر گرینلند، بنس فردریک نیلسن، روزیکشنبه در واکنش به تهدیدهای مکرر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا درباره الحاق این قلمرویی خودمختار دانمارک با لحنی قاطع اعلام کرد: «دیگر بس است». وی در پستی در فیس‌بوک نوشت: «هیچ فشاری پذیرفتنی نیست و هیچ خیال‌پردازی درباره الحاق گرینلند قابل تحمل نیست». اظهارات نیلسن درحالی منتشر شد که نگرانی‌ها نسبت به سرنوشت گرینلند پس از عملیات بی‌سابقه دولت واشنگتن در ونزوئلا و دستگیری نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور پیشین این کشور، شدت گرفته است. پیش‌تر ترامپ از تمایل خود برای الحاق گرینلند به ایالات متحده به دلیل موقعیت استراتژیک این جزیره در قطب شمال خبر داده بود. ترامپ روزیکشنبه در مسیر بازگشت به واشنگتن با هواپیمای ایر فورس وان، بار دیگر بر خواسته خود تأکید کرد و با لحنی تمسخرآمیز گفت که اقدامات دانمارک در گرینلند ازجمله اضافه کردن یک سورتز مه‌سگ، مؤثر نیست. او افزود: «ما فعلاً نگرانی خاصی درباره گرینلند نداریم... بیاید ۲۰ روز دیگر درباره آن صحبت کنیم». این اظهارات با واکنش شدید نخست‌وزیر دانمارک، مته فریدریکسن، مواجه شد. وی در بیانیه‌ای گفت: «کاملاً مضحک است که گفته شود ایالات متحده باید کنترل گرینلند را در دست بگیرد». او یادآور شد که گرینلند و دانمارک عضو ناتو هستند و امنیت آنها تحت‌پوشش تضمین‌های این پیمان قرار دارد. رهبران اروپایی، ازجمله فرانسه و کمیسیون اروپا نیز همبستگی خود با دانمارک و گرینلند را اعلام کرده‌اند. پاسکال کانفارو، سخنگوی وزارت امور خارجه فرانسه، تأکید کرد: «گرینلند متعلق به مردم این سرزمین و دانمارک است و تصمیم‌گیری درباره آن برعهده خودشان است». اورزولا فن‌درلاین، رئیس‌کمیسیون اروپا، نیز در یادداشتی بر احترام به تمامیت ارضی و حاکمیت اصول بنیادین حقوق بین‌الملل تأکید کرد. در پی انتشار تصاویر نمادین گرینلند با رنگ‌های پرچم آمریکا توسط کتی میلر، معاون پیشین سخنگوی وزارت امنیت داخلی آمریکا، تنش‌ها پیش از پیش تشدید شد و نگرانی‌ها درباره رفتار احتمالی واشنگتن نسبت به این جزیره خودمختار افزایش یافت.



به رودریگز به وضوح تفهیم می‌شود که سرنوشت مادورو، که اکنون در بازداشت آمریکاست، می‌تواند در انتظار او نیز باشد و اگر همکاری نکند، گزینه نظامی دوم و به‌مراتب ویران‌گریز علیه ونزوئلا فعال خواهد شد. این تهدید، با توجه به اقدام جسورانه ربودن مادورو، کاملاً معتبر جلوه می‌کند و یک فشار روانی سنگین بر دولت موقت کاراکاس وارد می‌آورد. در مقابل «هویج» این معامله نیز به همان اندازه وسوسه‌انگیز است. از یک‌سو، به رودریگز وعده داده می‌شود که در صورت همکاری، تحریم‌های فلج‌کننده اقتصادی که کشور را به زانو درآورده به‌تدریج کاهش خواهد یافت. این امر می‌تواند به او کمک کند تا حدی از بحران انسانی بکاهد و برای خود مشروعیت داخلی بخرد. از سوی دیگر، یک انگیزه شخصی بسیار قدرتمند نیز برای او در نظر گرفته شده است: آزادسازی دارایی‌های شخصی

هنگفت او و دیگر مقامات ارشد که گفته می‌شود در کشورهایمانند قطر و ترکیه مسدود شده‌اند. این پیشنهاد، بقای سیاسی را با بقای مالی پیوند می‌زند و یک معامله بزرگ را شکل می‌دهد که در آن، رودریگز در ازای تسلیم حاکمیت ملی در حوزه‌های کلیدی، امنیت شخصی و ثروت خود را تضمین می‌کند. این رویکرد، بازتابی از یک سیاست خارجی کاملاً معامله‌محور است که در آن، وفاداری و همکاری با دلارهای نفتی و تضمین‌های امنیتی خریداری می‌شود. در پس این استراتژی، بیزاری عمیق دولت ترامپ از پروژه‌های «ملت‌سازی» و تعهدات بلندمدت قرار

دارد. الگوی رفتاری این دولت در افغانستان، جایی که مستقیماً با طالبان مذاکره کرد و دولت رسمی مورد حمایت خود را به حاشیه راند، در اینجا نیز تکرار می‌شود. منطق این است که باید با کسی معامله کرد که قدرت واقعی را در دست دارد، نه کسی که از نظر ایدئولوژیک به ما نزدیک‌تر است. علاوه بر این، کنترل بر منابع نفتی ونزوئلا، که از بزرگ‌ترین ذخایر جهان است یک هدف استراتژیک پنهان نیست. در نهایت، واکنش اولیه دلسی رودریگز که از یک‌سو خواستار «رابطه‌ای محترمانه» می‌شود و از سوی دیگر بر استقلال ونزوئلا تأکید می‌کند، نشان‌دهنده درک او از وضعیت بغرنجی است که در آن قرار گرفته است؛ وضعیتی که او را مجبور به راه رفتن بر روی طنابی باریک میان تسلیم در برابر یک ابرقدرت و تلاش برای حفظ ظاهر یک حاکمیت مستقل می‌کند.

گزارش

فریب مردم

هشدار **عبدالکریم سروش** به سران اسرائیل و آمریکا



عبدالکریم سروش، فیلسوف و روشن فکر دینی که در سال‌های اخیر مواضع شفاف و شجاعانه‌ای علیه جنایات رژیم صهیونیستی در غزه و لبنان و جنگ ۱۲ روزه این رژیم علیه ایران داشته در واکنش به تحولات اخیر ونزوئلا و مداخله آمریکا در امور داخلی این کشور و مداخله آمریکا و رژیم اسرائیل در ناآرمی‌های ایران خطاب به سران رژیم صهیونیستی گفت: «سرجای خود بنشینید، مردم ایران خودشان مشکل‌شان را حل می‌کنند.»

عبدالکریم سروش در آغاز جلسه اخیر «درس قرآن خود» درباره تحولات روزهای اخیر گفت: «امیدوارم که از این توفان‌های سهمگین تاریخ که اکنون در حال وزیدن است کشور ما و بلکه بشریت جان سالم به‌در ببرد. قرن بیست‌ویکم چنین که می‌نماید قرن سعدی نبود بلکه نحوست آن بر سعدش افزون‌تر است؛ جنگ این‌جا و آن‌جا، آدم‌کشی، غارت، خون‌ریزی یکی از بدترین آن‌ها در غزه بود و اکنون می‌بینیم که تجاوز مسلحانه و آدم‌ربایی در روز روشن صورت می‌گیرد و همه جهانیان هم می‌نگرند؛ یا به احتیاط چیزی می‌گویند یا هیچ چیز نمی‌گویند. خداوند عاقبت این وضع را، این جهان را به‌خیر کند. هم آنچه درباب نظم بین‌الملل، سازمان ملل، حقوق بشر و جنبه‌های زیبای ظاهری تمدن کنونی بود، همه در حال فروریزی و لگدمال شدن در پای قدرت‌های وحشی هستند. نمی‌دانم نسل‌های آینده چه خواهند گفت و در چه جهانی خواهند زیست؛ جهانی که آشکارا ناعادلانه است و سران قدرت‌ها به زورگویی و قلدری افتخار می‌کنند و جنگ را بر صلح ترجیح می‌دهند و بهایی برای جان آدمیان قائل نیستند. نه پایبند به اخلاق‌اند، نه پایبند به دیانت‌اند و نه پایبند به قانون‌اند. آن‌چه برای آن‌ها مهم است اقتدار است و زیر سلطه درآوردن ضعیفان و بهره کشیدن از آن‌ها و استعمار به شیوه‌های بسیار آشکار و وحشی جدید است.»

مسئولان خویشتن‌داری می‌کنند

او در ادامه با اشاره به حوادث روزهای اخیر و ناآرامی در برخی شهرها گفت: «در ایران هم شاهدیم که مردم به جان آمده‌اند. حقیقتاً این گرانی‌ها و گرسنگی‌ها هیچ راهی برای مردم باقی نگذاشته است. از فرط استیصال فریاد برمی‌آورند و به خیابان‌ها می‌آیند و حرف خودشان را با مسئولان در میان می‌گذارند؛ من البته خوشنودم که مسئولان تا حدود زیادی خویشتن‌داری می‌کنند و به تعبیری که خودشان گفتند به ندای معترضان گوش می‌کنند و برخورد مسلحانه ندارند. همین البته نیکوست ولی اصل کاری این است که سوءمدیریت‌ها درمان و جبران شود، مدیران نالایق بلکه دزد و اختلاس‌گر سر جای خودشان نشانده شوند. ثروت مملکت خرج مردم این مملکت بشود و البته باید برحذر بود از دشمنی

دشمنان و خیانت خیانتکاران. مایه تأسف است که بعضی‌ها مثل نخست‌وزیر اسرائیل پشت مردم معترض پنهان می‌شوند و این نهضت را آلوده می‌کنند یا این جنبش مردمی را به خودشان نسبت می‌دهند و یا با اظهار حمایت‌شان چهره زیبای آن را زشت و سیاه می‌کنند. باید به این‌ها گفت که شما سر جای خودتان بنشینید، مردم ایران مسئله خودشان را خودشان حل خواهند کرد و هیچ نیازی به شما آدم‌کشان خون‌ریز و غارت‌گر ندارند، تو دهنی محکمی باید به این متجاوزان زد، من نمی‌دانم با چه رویی این‌ها این حرف را می‌زنند. همین چند ماه پیش بود که با همه خدم و حشم‌شان و با لشکر و سپاه‌شان به ایران حمله کردند، سران سپاه و ارتش را [به شهادت رساندند] و مملکتی را به خون و ویرانی کشاندند. پس از این تجاوز مفتخر هم هستند و هنوز هم فکر می‌کنند می‌توانند مردم را بفریبند و وانمود کنند که حامی آن‌ها هستند. شما اگر حامیان این مملکت هستید، اگر دلتان برای آبادانی این مملکت می‌سوزد، چرا این همه در ویرانی آن می‌کوشید؟ برای چه این همه جاسوس به میان مردم می‌فرستید. چرا آن‌ها را مسلح می‌کنید تا چهره زیبای این اعتراضات مردمی را زشت کنند و طرف مقابل را وادار به مقابله مسلحانه بکنند.»

سروش در ادامه گفت: «جهان متأسفانه در این چند دهه مخصوصاً با درهم رفتن دست‌های دو نفر؛ یکی رئیس‌جمهور آمریکا و دیگری نخست‌وزیر اسرائیل حقیقتاً در راهی پا نهاد است که مگر خدای بتواند آن را متوقف کند. ما که آرزو داریم که قصه به نحوه راستینی و در جهت نفع خلاق پیش برود.»

پس از پیام جنگ‌طلبانه رئیس‌جمهور آمریکا در روزهای نخست سال میلادی و دخالت آشکار در امور داخلی کشورمان، بسیاری از مسئولان و فعالان سیاسی و مدنی در داخل و خارج از کشور ضمن فاصله‌گذاری میان آشوب و اعتراض و تأکید بر ضرورت پاسخ‌گویی به مطالبات برحق مردم، پاسخ‌های قاطعی به مداخله‌جوی‌های سریالی دونالد ترامپ دادند.

پس از حمله رژیم صهیونیستی به ایران در بامداد ۲۲ خرداد امسال، سروش در واکنش به حمله رژیم صهیونیستی به ایران اسلامی و اقدام جنایتکارانه این رژیم در تجاوز به تمامیت ارضی کشور، در صفحه شخصی خود نوشت: «شرم بر کسانی باد که این روزها به عنوان ایرانی از تجاوز و تهاجم به وطن ابراز خوشحالی و شادمانی می‌کنند. اشراز جنایتکار امروز کمر به حذف ایران بسته‌اند اما می‌بینیم گروهی مزدورصفت که به ظاهر ایرانی‌اند اما در باطن اسرائیلی‌اند و بیگانه‌پرست شده‌اند! دشمن بزرگ مردم ایران را تشویق می‌کنند. تجاوز، جنایت و نسل‌کشی اسرائیل در ایران را محکوم می‌کنیم. رئیس‌جمهور آمریکا ریاکارانه تزویر می‌کند و از قصابان غزه حمایت می‌کند.»

اله دره‌شامی

روزنامه‌نگار

در ادبیات معاصر کره‌جنوبی، که اغلب با لایه‌های عمیق روان‌شناختی و نقد اجتماعی شناخته می‌شود، رمان «بادام» نوشته وون پیونگ سون یکی از آثار برجسته‌ای است که توانسته مرزهای ژانر جوان‌بزرگسال را درنوردد و مخاطبانی از سنین مختلف را مجذوب خود کند. این کتاب، که نخستین رمان نویسنده‌ای است که پیش‌تر به عنوان فیلم‌ساز و فیلم‌نامه‌نویس فعالیت داشته، در سال ۲۰۱۷ منتشر شد و به سرعت به موفقیت جهانی دست یافت؛ موفقیت‌هایی که با جوایزی چون جایزه چانگگی برای ادبیات نوجوانان و توصیه گروه محبوب بی‌تی‌اس همراه بود. اما فراتر از این شهرت، «بادام» اثری است که با ظرافتی تحسین‌برانگیز به کاوش در عمق احساسات انسانی می‌پردازد و سوال‌هایی بنیادین درباره هویت، تفاوت و قدرت روابط مطرح می‌کند. داستان حول محور یون‌جانه، پسری نوجوان، می‌چرخد که از بدو تولد با اختلالی نادر به نام آلکسی‌تایمیا دست‌وپنجه نرم می‌کند. این نقص عاطفی که ریشه در عملکرد ناکافی آمیگدالا، آن ساختار بادمای‌شکل در مغز که مسئول پردازش احساساتی چون ترس، خشم، عشق و غم دارد یون‌جانه را از درک و ابراز عواطف محروم کرده است. او نمی‌تواند حالات چهره دیگران را تفسیر کند یا حتی واکنش‌های عاطفی خودش را شناسایی نماید. برای او، عشق و هم‌دلی مفاهیمی انتزاعی هستند که هم‌چون کلماتی از زبانی بیگانه به نظر می‌رسند. مادر و مادر‌بزرگش، با فداکاری بی‌پایان، سعی می‌کنند زندگی‌ای امن برای او بسازند؛ خانه‌ای بالای کتاب‌فروشی دست‌دوم مادر، پر از یادداشت‌های رنگی که به یون‌جانه یادآوری می‌کنند کی لبخند بزند، کی تشکر کند یا کی بخندد. اما این بی‌حسی عمیق، او را در برابر جامعه‌ای پر از خشونت و قضاوت آسیب‌پذیر می‌سازد. دیگران او را

سینمای ایران

خداحافظی با رئیس

سعید پردوست در ۸۵سالگی درگذشت

درست در روز تولد ۸۵ سالگی، سعید پردوست، بازیگر قدیمی سینمای ایران درگذشت. بازیگری که با فیلم‌های مسعود کیمیایی در اوایل دهه ۵۰ه.ش پا به عالم سینما گذاشت اما از سال ۱۳۸۱ بود که نام پردوست به‌عنوان یک بازیگر در بین عامه مردم مطرح شد. در واقع با سریال «پاورچین» بود که او در آن نقش «آقای رئیسینا» یا همان رئیس اداره را بازی می‌کرد و نام پردوست را در میان علاقه‌مندان عام سینما و تلویزیون مطرح کرد.

شروع با بچه‌محل‌ها و رفقا

او یکی از عشاق سینما و فیلم بود که با دیدن نمایش‌های روی پرده زندگی می‌کرد. بازیگر محبوبش مونگومری کلیفت، ستاره سال‌های دهه ۵۰ میلادی بود و به‌واسطه همین عشق به سینما و بازیگری بود که از مسعود کیمیایی که در حال ساخت فیلم «خاک» بود، تقاضا کرد که برای گرفتن یکی از نقش‌ها تست بدهد. تستی که قبول شد و پردوست پا به دنیای بازیگری گذاشت. او آن زمان کارمند یک اداره دولتی بود و برای حضور در این فیلم از محل کارش مرخصی گرفت. نام اصلی او علی‌رضا بود و در جنوب‌شهر تهران به‌دنیا آمد و پیش از آنکه از اواخر دهه شصت، که آرام‌آرام توانست بازیگری را به‌شکل حرفه‌ای دنبال کند، مشاغلی مانند کارمند بانک و حسابداری یک شرکت صنعتی را انجام داد.

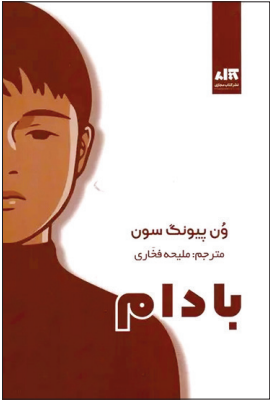
همکاری با مسعود کیمیایی

سعید پردوست ۶ ماه از مسعود کیمیایی بزرگتر است اما این دو در دوران دبیرستان هم‌کلاس بودند. احمدرضا احمدی، نعمت حقیقی، اسفندیار منفردزاده و فرامرز

در آرزوی جامعه‌ای مهربان‌تر

بادام وون پیونگ سون، روایتی تلخ و شیرین از جست‌وجوی احساس در جهانی بی‌رحم است

«هیولا» می‌نامند، مسود آزار قرار می‌دهند و انگ تفاوت می‌زنند، در حالی که خود جامعه به نظر می‌رسد فاقد پناهگاهی امن برای کودکانی باشد که بیش از همه به محبت نیاز دارند. یکی از نقاط قوت رمان، نمایش واقع‌گرایانه این جامعه است که قضاوت کردن در آن آسان‌ترین کار است. وون پیونگ سون با قلمی زیرک و گاهی شوخ، تصویری از جهانی می‌سازد که در آن افراد متفاوت به سرعت طرد می‌شوند. یون‌جانه، که حتی در لحظه‌ای هولناک مانند حمله‌ای خشونت‌آمیز به مادر و مادر‌بزرگش در خیابان، هیچ واکنشی نشان نمی‌دهد، نمادی از ایسن انزوای اجباری است. پس از این فاجعه، او تنها می‌ماند و مدرسه نیز برایش جهنمی از خلأ عاطفی می‌شود. هیچ چیز نمی‌تواند احساساتش را برانگیزد، تا اینکه ورود گونی، نوجوانی پرشور و خشن با گذشته‌ای پر از طرد و آسیب، همه چیز را دگرگون می‌کند. گونی ابتدا به دنبال انتقام است، اما به‌تدریج دوستی غیرمنتظره‌ای میان این دو شکل می‌گیرد؛ دوستی که به هر دوی آن‌ها امید می‌بخشد. در قلب این روایت، ارزش عشق و احساسات قرار دارد. رمان به زیبایی نشان می‌دهد چگونه حضور یا غیاب عشق می‌تواند زندگی یک کودک را



بادام

وون پیونگ سون

ترجمه ملیحه فجاری

نشر کتاب مجازی

۱۹۶ صفحه

۱۹۰ هزار تومان





گزارش: سینمای جهان

ادای دین به یک شورش سینمایی

نگاهی به فیلم «موج نو»، آخرین ساخته ریچارد لینکلتر

بازسازی حال‌وهوای دوران شکل‌گیری موج نو در فرانسه در فیلم لینکلتر، ظریف، گذرا و در عین حال کمیاب است. بعضی منتقدان نیز اشاره کرده‌اند که در تعلیقی داستانی غرق شده‌اند که با وجود آگاهی از پایان آن، همچنان تأثیرگذار و جذاب باقی می‌ماند.

همچنین شماری از روزنامه‌نگاران سینمایی بر این باورند که فیلم در درجه نخست برای سینمادوستان حرفه‌ای و مخاطبانی که با تاریخ سینما و جنبش موج نو آشنایی دارند، جذاب‌تر است چراکه سرشار از ارجاعات دقیق به لحظات کلاسیک این جنبش است. با این‌همه، در نهایت می‌توان گفت «موج نو» نام‌های عاشقانه، باشکوه و صمیمی به تاریخ سینما و جنبش موج نو است؛ دیداری دوباره با گذشته‌ای که هنوز الهام‌بخش سینمای امروز است.

«از نفس افتاده»؛ فیلمی که قواعد سینما را شکست

فیلم «از نفس افتاده» (À bout de souffle) ساخته ژان‌لوک گدار، نه‌تنها یکی از مهم‌ترین آثار جنبش موج نو فرانسه، بلکه یکی از تأثیرگذارترین فیلم‌های تاریخ سینماست. همان‌طور که در بالا ذکر شد این فیلم که در سال ۱۹۶۰ با بودجه‌ای اندک و گروهی کوچک ساخته شد، به‌محض نمایش، نگاه جهانیان به سینما را دگرگون کرد و آغازگر مسیری شد که تا امروز ادامه دارد. گدار در «از نفس بریده» آگاهانه از قواعد تثبیت‌شده روایت کلاسیک فاصله گرفت. داستان فیلم ساده و حتی ضددراماتیک است، اما آنچه اثر را ماندگار می‌کند، نه روایت، بلکه شیوه روایت است. استفاده از تدوین پرش‌دار که پیش از آن به‌عنوان خطای فنی تلقی می‌شد، به یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بصری فیلم بدل شد و ریتمی عصبی، ناپایدار و مدرن به اثر بخشید. این تکنیک بعدها الهام‌بخش نسل‌های متعددی از فیلمسازان در سراسر جهان شد. حذف گریه‌های اغراق‌آمیز و بازی‌های رها و بداهه‌گونه، «از نفس افتاده» را به اثری زنده و نزدیک به زندگی روزمره تبدیل کرد.

گدار با این انتخاب‌ها مرز میان سینما و واقعیت را کمرنگ ساخت و نشان داد که فیلم می‌تواند خارج از استودیو و بدون تشریفات مرسوم نیز ساخته شود. این نگاه، راه را برای شکل‌گیری سینمای مستقل در اروپا و آمریکا هموار کرد. از نظر محتوایی نیز فیلم نگاهی تازه به شخصیت‌پردازی ارائه می‌دهد. قهرمان گدار نه یک شخصیت اخلاقی یا الگو، بلکه انسانی سرگشته، بی‌قرار و در تضاد با جامعه است. دیالوگ‌های فلسفی، ارجاعات فرهنگی و بی‌اعتنایی به پایان‌بندی‌های متعارف، مخاطب را وادار می‌کند فعالانه با فیلم مواجه شود، نه صرفاً داستان را دنبال کند.

تأثیر «از نفس افتاده» محدود به فرانسه نماند. فیلمسازانی چون مارتن اسکورسیزی، کونتین تارانتینو، جیم جارموش و حتی کارگردانان موج نوی سینمای ایران، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از جسارت فرمی و فکری گدار تأثیر پذیرفته‌اند. این فیلم ثابت کرد که سینما می‌تواند هم شخصی باشد و هم جهانی و هم ساده و هم انقلابی. در نهایت، «از نفس افتاده» فیلمی است که سینما را به پیش و پس از خود تقسیم کرد. اثری که نشان داد، شکستن قواعد نه تهدید بلکه راهی برای زایش زبان تازه در هنر سینماست.

فرزانه متین

گروه سینما، تئاتر و تلویزیون

پیش از آنکه به نقد و بررسی فیلم «موج نو» (Nouvel-Vague) پرداخته شود، بهتر است اهالی سینما پیش از گذشته با جنبش سینمایی موج نو آشنا شوند. این جنبش توسط فرانسوا تروفو، ژان‌لوک گدار، کلود شابرول و ژاک ریوت شکل گرفت؛ منتقدان برجسته مجله معتبر و تأثیرگذار کایه دو سینما که به‌تدریج با فیلم‌های ساختارشکنانه خود به پرچمداران موج نو در فرانسه بدل شدند. آنها به‌شدت منتقد سینمای بدنه فرانسه بودند و حتی قراردادهای قواعد سنتی سینمای هالیوود را نیز به چالش می‌کشیدند.

اکنون ریچارد لینکلتر، فیلمساز خلاق و تجربه‌گرا، که پیش‌تر با فیلم «پسرانگی» ۲۰۱۴ و پروژه دوازده‌ساله فیلمبرداری‌اش منتقدان را شگفت‌زده کرده بود، این‌بار بدون هیچ ادعایی با فیلم «موج نو» بازگشته است. این اثر که ادای احترامی آشکار به ژان‌لوک گدار و نخستین فیلم بلند او، «از نفس افتاده»، محسوب می‌شود، در جشنواره کن ۲۰۲۵ با استقبال و تحسین منتقدان روبه‌رو شد.

فیلم «موج نو» ۲۰۲۵ به‌طری‌ی ماهرانه به بازسازی یکی از مهم‌ترین لحظات تاریخ سینما، یعنی فرآیند ساخت «از نفس افتاده» ژان‌لوک گدار می‌پردازد. فیلمی که همانند آثار موج نو فرانسه، دست به انقلاب زد و مسیر سینما را دگرگون کرد. لینکلتر با نگاهی ستایش‌آمیز و در عین حال دقیق، این لحظه تاریخی را بازآفرینی می‌کند.

«موج نو» فیلمی سیاه‌وسفید و سفری به سال ۱۹۶۰ در قلب پاریس است. جایی که ژان‌لوک گدار تصمیم می‌گیرد نخستین فیلم بلند خود را با بودجه‌ای اندک و با بازیگرانی چون ژان‌ل بلوندو، جین سبیرگ، دنیل بلوتزه و ژان‌پیر مولیل جلولی دورین بیرد. «از نفس افتاده» پس از نمایش، انقلابی در سینمای فرانسه به‌پا کرد و تحسین جهانیان را برانگیخت؛ فیلمی که نقش مهمی در تثبیت و گسترش موج نو ایفا کرد. گدار در این اثر شیوه‌ای تازه در روایت، تدوین، صداگذاری، فیلمبرداری و فرم سینمایی به‌وجود آورد. استفاده خلاقانه از تکنیک «جامپ کات» (پرش کات) که به‌وضوح در فیلم «موج نو» نیز بازتاب یافته، نمونه‌ای از این نوآوری‌هاست. او با شکستن قواعد سنتی روایت، زبان سینما را دگرگون کرد؛ فیلمبرداری در لوکیشن‌های واقعی با نور طبیعی، بدون گریم و چهره‌پردازی اغراق‌آمیز و بهره‌گیری از دیالوگ‌های فلسفی، از ویژگی‌هایی هستند که در فیلم نخست گدار و نیز در بازنمایی لینکلتر قابل مشاهده‌اند. به‌واسطه این نوآوری‌ها، سینمای فرانسه به پیش و پس از گدار تقسیم شد. گدار با استفاده از روایت‌های غیرخطی، به گفته خودش، می‌خواست مانع غرق شدن تماشاگر در داستان شود و او را همواره هشیار نگه دارد.

شیفتگی به فیلم «موج نو»

اما چرا فیلم سینمایی «موج نو» تا این اندازه مورد توجه و علاقه عاشقان سینما قرار گرفته است؟ برخی تماشاچی این فیلم را جشنی بی‌پایان برای سینما دانسته‌اند؛ اثری که لحظه‌به‌لحظه‌اش گیرا و دلنشین است. گروهی دیگر معتقدند

لحظه‌ای دستت را به گرمی و در امنیت گرفته و ناگهان بی‌هیچ توضیحی آن را رها کرده است.» این تصویر، درد طردشدگی را به زیبایی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد چگونه گذشته‌های آسیب‌دیده می‌توانند افراد را به سمت خشونت سوق دهند. همچنین، سوال‌هایی درباره «نرمال بودن» مطرح می‌شود: «نرمال بودن یعنی چی؟ یعنی مثل دیگران بودن... اینکه مثل دیگران باشی یعنی چی؟ وقتی هر کسی با دیگری فرق دارد، باید مثل کدام باشم؟» این تأملات، نقدی غیرمستقیم بر جامعه‌ای است که تفاوت را تحمل نمی‌کند و هنجارهای سختگیرانه‌ای تحمیل می‌کند.

رمان همچنین به مسئولیت والدین اشاره دارد: «درسته که انتخاب اونا بوده که منو به دنیا بیارن، اما معنیش این نیست که من مسئول تحقق مأموریتی هستم که اونا برای خودشون در نظر گرفتن.» و در نهایت، نتیجه‌گیری عمیقی درباره عشق ارائه می‌دهد: «می‌دانم که شاید این نتیجه‌گیری کلیشه‌ای باشد. اما من به این اصل رسیده‌ام که عشق چیزی است که شخص را به انسان تبدیل می‌کند، همین‌طور به هیولا.» این جمله، محور اصلی کتاب را خلاصه می‌کند: عشق می‌تواند نجات‌بخش یا ویرانگر باشد، بسته به اینکه چگونه تجربه شود.

عنوان «بادام» خود نمادی هوشمندانه است. اشاره به آمیگدالای بادمی‌شکل مغز، که در یون‌جانه ناکافی است، و تلاش مادر برای تحریک آن با خوردن بادام‌های واقعی. این استعاره، امید به رشد عاطفی را نشان می‌دهد، حتی در شرایطی که به نظر غیرممکن می‌رسد.

در نهایت، «بادام» نه تنها داستانی است درباره قدرت دوستی و احساسات، بلکه دعوتی جدی به زندگی با همدلی و شفقت بیشتر در جامعه‌ای است که اغلب بی‌رحم و قضاوت‌گر به نظر می‌رسد. این کتاب به ما یادآوری می‌کند که بازخوردمان نسبت به کودکان و نوجوانان به ویژه آن‌هایی که متفاوت هستند یا با چالش‌های عاطفی روبه‌رو هستند باید همواره با احترام، صبر و توجه عمیق همراه باشد. ما موظفیم برای درک تفاوت‌ها، پذیرش فردیت و فراهم کردن فضای امن برای رشد عاطفی آنان بیشتر تلاش کنیم. در جهانی که خشونت، طرد و قضاوت سریع غالب است، این رمان هم‌چون نوری امیدبخش و الهام‌بخش عمل می‌کند و با تأکید بر این حقیقت که هر کودکی بدون استثنا سزاوار نیک‌بختی، عشق بی‌قیدوشرط و فرصت شکوفایی است، خواننده را به تأمل وامی‌دارد. برای خوانندگانی که به رمان‌های روان‌شناختی عمیق، داستان‌های بلوغ تأثیرگذار و آثار دارای نقد اجتماعی قوی علاقه‌مندند، «بادام» تجربه‌ای کاملاً فراموش‌نشدنی و تحول‌آفرین خواهد بود؛ اثری که نه تنها سرگرم می‌کند و احساسات را برمی‌انگیزد، بلکه نگاه ما را به احساسات انسانی، روابط و مسئولیت‌های اجتماعی عمیقاً تغییر می‌دهد و ارزش عشق را به عنوان نیرویی که می‌تواند هم نجات دهد و هم ویران کند بیش از پیش به ما می‌نمایاند و ما را به سوی جامعه‌ای مهربان‌تر فرا می‌خواند.

پیردوست به بازیگری پرکار بدل شد که در فیلم‌های کارگردانان مختلف به ایفای نقش پرداخت، به طوری که تا سال ۱۳۸۰ او در ۹ فیلم دیگر حضور پیدا کرد که هیچ‌کدام از آنها ساخته مسعود کیمیایی نبود اما در میان‌شان فیلم‌های مطرحی وجود دارد از-جمله فیلم «قرمز» ۱۳۷۷ ساخته فریدون جیرانی، دست‌های آلوده ۱۳۷۸ ساخته سیروس الوند و عینک دودی ۱۳۷۸ ساخته محمدحسین لطیفی که در زمان خودشان در میان پر مخاطب‌ترین فیلم‌ها بودند. او در سال ۱۳۸۰ در دو فیلم پرسروصدای سال، «مزاحم» ساخته سیروس الوند و «دختر شیرینی‌فروش» به کارگردانی ایرج تهماسب بازی کرد و سپس در سال ۱۳۸۱ با مهران مدیری در فیلم «توکیو بدون توقف» هم‌بازی شد. شاید این همکاری بود که باعث شد پیردوست در سریال پاورچین حضور پیدا کند.

دوران همکاری با مدیری

هرچند مسعود کیمیایی نقشی انکارناپذیر در ورود سعید پیردوست به سینما و حرفه بازیگری داشت اما این مهران مدیری بود که پیردوست با بازی در کارهایش به شهرت فراگیر رسید. در پاورچین که سال ۱۳۸۱ ساخته شد و هنوز هم یکی از محبوب‌ترین سریال‌های طنز تلویزیونی است، او نقش رئیس اداره‌ای را بازی می‌کرد که مهران مدیری و جواد رضویان در آن کار می‌کردند و درواقع بخش مهمی از سریال به ماجرای رقابت این دونفر برای به‌دست آوردن دل رئیس همان پیردوست بود.

این همکاری که پیردوست را حسابی نزد مخاطبان عام و گسترده تلویزیون به شهرت رساند، در نقطه‌چین ۱۳۸۲، جایزه بزرگ ۱۳۸۳، شب‌های بره ۱۳۸۴، باغ مظفر ۱۳۸۵ و مرد هزارچهره ۱۳۸۶ و قهوه تلخ ۱۳۸۸ ادامه یافت و آنقدر این همکاری برای پیردوست خوشایند بود که وقتی مدیری در کارهای بعدی‌اش از او دعوت نکرد، دلخور شد و در مصاحبه‌ای این دلخوری را بیان کرد، هرچند مهران مدیری با دعوت او به برنامه «دوره‌می» توانست این کدورت را از بین ببرد.

پایان یک عاشق سینما

سعید پیردوست که با فیلم‌های کلاسیک جهان سینما، عاشق بازیگری شده بود، بعد از بیش از ۵۰ سال فعالیت در این حرفه، روز سه‌شنبه ۱۶ دی ۱۴۰۴ بعد از مبارزه طولانی با بیماری سرطان درگذشت.



بسازد یا نابود کند. برای کودکان، عشق اولویت مطلق است؛ نه ثروت، نه قدرت و حتی نه پذیرش جامعه. یون‌جانه کسی است که می‌تواند عشق را تشخیص دهد اما هرگز نتواند پیدایش کند. این تضاد، قدرت عشق را در زندگی کودکان به شکلی واقعی و دردناک برجسته می‌کند. نویسنده با ظرافت تأکید می‌کند که هیچ کودکی نباید به عنوان «هیولا» یا «کودک مشکل‌دار» برچسب بخورد. افرادی که این پسران را هیولا می‌خوانند، خود اغلب هیولا‌های واقعی داستان هستند و جامعه‌ای که قادر نیست حمایت لازم را از آسیب‌پذیرترین اعضای خود فراهم کند. یکی از جذابیت‌های «بادام»، دیالوگ‌های عمیق و تأمل‌برانگیز آن است. برای نمونه، یون‌جانه می‌گوید: «اگر وقتی از من انتظار می‌رود خشمگین باشم، آرام بمانم، باعث می‌شود صورت به نظر برسم. اگر وقتی باید می‌خندیدم ساکت می‌ماندم، باعث می‌شد جدی‌تر به نظر برسم و اگر وقتی می‌بایست گریه کنم ساکت می‌ماندم، قوی به‌نظر می‌رسیدم. سکوت قطعاً کلیدی طلایی بود.» این کلمات، عمق استراتژی بقای او در جهانی پر از انتظارات عاطفی را نشان می‌دهد. با جمله‌ای دیگر: «شخصی نیست که نتوان او را نجات داد. فقط افرادی هستند که از نجات دادن دیگران دست بر می‌دارند.» این دیالوگ‌ها نه تنها شخصیت‌ها را غنی می‌سازند، بلکه پیام قوی رمان را منتقل می‌کنند: نیاز به همدلی و شفقت بیشتر در روابط انسانی.

در جایی از کتاب، گویی به زندگی تشبیه می‌کند که هم‌چون دستی گرم است که ناگهان رها می‌شود: «هرگاه زندگی با او شوخی‌های وحشیانه کرده بود، گویی به این فکر می‌کرد که زندگی مثل این است که مادرت

سرب او را پیدا کردند. در گوزنها و در سکانسی که سید (بهروز وثوقی) بعد از درگیری با اصغر آقا (عنایت بخشی)، صاحبخانه بی‌رحم توسط پلیس دستگیر شده و در حیاط کلاتری منتظر است، سعید پیردوست نقش مرد کمتربازی را دارد که کیوتر هایش توسط پلیس ضبط شده‌اند. او هرچه اصرار می‌کند که کیوتر هایش را آزاد کنند اما مأمور نمی‌پذیرد. با این حال وقتی در سله کیوتر باز می‌شود و کیوترها از قفس فرار می‌کنند، او همان‌جا از خوشحالی فریاد می‌زند. او دو سال بعد از گوزنها که در سال ۱۳۵۳ ساخته شده بود، در «غزل»، متفاوت‌ترین فیلم مسعود کیمیایی و محمدعلی فردین به ایفای نقش پرداخت. اما او نه‌فقط در غزل که در «سفرسنگ» که سال ۱۳۵۶ توسط هم‌کلاسی سابقش ساخته شد، مانند گوزنها و خاک نقش کوتاهی داشت. جالب است که پیردوست از شروع کارش با مسعود کیمیایی در فیلم خاک، تا سال ۱۳۷۱ در ۱۰ فیلم مسعود کیمیایی و فقط در کارهای او، به‌عنوان بازیگر حضور پیدا کرد. خط قرمز، تیغ و ابریشم، سرب، دندان مار، گروهبان و ردپای گرگ فیلم‌های ابتدایی پیردوست هستند که همه توسط کیمیایی ساخته شدند. شاید مهم‌ترین نقش او در این دوران، حضورش در نقش روزنامه‌نگار در فیلم «سرب»، یکی از بهترین آثار کیمیایی بعد از انقلاب باشد. او در «گروهبان» نقش ناصرخان را که منفی بود، بازی کرد که شاید از نظر بازیگری، بهترین نقش‌آفرینی‌اش در فیلم‌های ابتدایی‌اش باشد.

فصل جدید در دنیای بازیگری

بعد از فیلم موفق «ردپای گرگ» مسعود کیمیایی بود که سعید



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

پول حقیقی

دلیل رشد دیروز بازار سهام چه بود؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

دیروز بازار سهام با ثبت رشد قابل توجه شاخص‌ها و ورود نقدینگی بالا به بازار، بار دیگر توان خود را برای جذب سرمایه نشان داد. شاخص کل بورس با افزایش ۱۱۱ هزار و ۸۷۳ واحدی به سطح ۴ میلیون و ۲۸۷ هزار و ۹۵۸ واحد رسید و رشد ۲.۶۸ درصدی را ثبت کرد. شاخص کل هم‌وزن نیز با افزایش ۲۴ هزار و ۸۳۴ واحدی و رشد ۲.۲۴ درصد، همگام با شاخص کل حرکت کرد و نشان داد، روند صعودی بازار به‌طور فراگیر در نمادهای کوچک و بزرگ مشاهده می‌شود. حجم معاملات سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی به ۳۳.۸ میلیارد سهم و ارزش معاملات ۱۵ هزار و ۲۲۲ میلیارد تومان رسید. سرانه خرید ۷۹.۱ میلیون تومان و سرانه فروش ۴۴.۳ میلیون تومان ثبت شد تا قدرت خرید به ۱.۷۹ برسد.

ورود پول حقیقی در این روز، مثبت و معادل ۴ هزار و ۷۴۴ میلیارد تومان بود که نشان از تمایل سرمایه‌گذاران به خرید سهام و استقبال از بازار دارد. از طرف دیگر صندوق‌های درآمد ثابت شاهد خروج سرمایه به میزان ۴ هزار و ۹۶۸ میلیارد تومان بودند، موضوعی که می‌تواند، بیانگر تغییر ترجیح سرمایه‌گذاران از دارایی‌های کم‌ریسک به سهام پرریسک و سودده باشد.

در بازار دیروز ۷۴۴ نماد مثبت و ۶۵ نماد منفی بودند که حاکی از رشد گسترده در بازار است. تعداد صف‌های خرید نیز با ۵۹۳ صف در مقایسه با ۱۶ صف فروش حاکی از تمایل بالای سهامداران به سرمایه‌گذاری در نمادهای مختلف است. ارزش سفارش‌های خرید به ۱۷ هزار و ۵۵۹ میلیارد تومان و ارزش سفارش‌های فروش به ۴۷۶ میلیارد تومان رسید که اختلاف قابل‌توجه آنها نشان از فشار تقاضا و شتاب بازار دارد. یکی از عوامل مهم رشد دیروز بورس، تأثیرات تکنرخی شدن ارز بر سودآوری شرکت‌هاست. با اجرایی شدن سیاست تکنرخی شدن ارز، شرکت‌های بورسی به‌ویژه تولیدکنندگان و صادرکنندگان، می‌توانند با اطمینان بیشتری به برنامه‌ریزی مالی و محاسبه سودآوری بپردازند. این موضوع باعث افزایش جذابیت سهام و تمایل سرمایه‌گذاران به ورود نقدینگی به بازار شده است. تحلیلگران معتقدند که در کوتاه‌مدت، تکنرخی شدن ارز می‌تواند منجر به افزایش چشمگیر سود شرکت‌ها و رشد ارزش بازار شود. با توجه به رشد روزهای اخیر و ورود پول حقیقی، انتظار می‌رود بورس تهران همچنان با شتاب قابل‌توجهی حرکت کند. سرمایه‌گذاران خرد و نهادهی هر دو در بازار فعال هستند و فشار تقاضا، احتمال ادامه روند صعودی شاخص‌ها را بالا برده است. چشم‌انداز بازار سهام ترکیبی از فرصت‌های بالقوه و ریسک‌های جدی را نشان می‌دهد، جایی که شاخص کل در حوالی ۴ میلیون واحد نوسان می‌کند و در ماه گذشته رشدی حدود ۸.۲۷ درصدی را تجربه کرده درحالی که نسبت به سال قبل بیش از ۴۲ درصد افزایش داشته است. این رشد عمدتاً ناشی از چرخش سرمایه‌گذاران به سمت سهام شرکت‌های صادراتی مانند پتروشیمی‌ها و صنایع دلاری است که سودآوری بالایی دارند و P/E بازار را در محدوده پایین ۵ نگه داشته که این امر بورس تهران را به یکی از بازارهای نوظهور جذاب برای سرمایه‌گذاری نامتقارن تبدیل کرده به‌ویژه با تمرکز بر فناوری‌های هوش مصنوعی و کارایی‌های دیجیتال که می‌تواند، بهره‌وری را در شرایط تحریم افزایش دهد.

با این حال، این چشم‌انداز مثبت تحت‌تأثیر عوامل اقتصادی داخلی مانند تورم مزمن بالای ۳۵ درصد قرار دارد که می‌تواند در صورت عدم کنترل کسری بودجه دولت به بیش از ۵۰ درصد برسد و حتی منجر به دلارسازی اقتصاد شود، جایی که اعتماد به ریال از بین رفته و تورم انفجاری تا ۳ هزار درصد ممکن است رخ دهد، همان‌طور که اقتصاددانان برجسته‌ای مانند حسین عبده‌تیریزی هشدار داده‌اند. از سوی دیگر پایان یارانه‌های ارزی و افزایش ۲۰ تا ۳۰ درصدی قیمت کالاهای اساسی، فشار بیشتری بر مصرف‌کنندگان وارد می‌کند و می‌تواند، تقاضای داخلی را کاهش دهد که این امر بر سودآوری شرکت‌های مصرفی‌محور تأثیر منفی می‌گذارد. در سطح جهانی، تحولات ژئوپلیتیکی مانند وضعیت ونزوئلا و ایران بر قیمت نفت تأثیرگذار است و پیش‌بینی می‌شود، عرضه مازاد نفت در ۲۰۲۶ قیمت‌ها را پایین نگه دارد که این برای اقتصاد وابسته به نفت ایران چالش‌برانگیز است و می‌تواند، صادرات را محدود کند هرچند برخی تحلیلگران معتقدند، کاهش تنش‌ها می‌تواند به ثبات ارزی کمک کند.

چین در تله نفتی

آیا دوران طلایی نفت ارزان برای چین به پایان رسیده است؟

مهتا معرفت

گروه اقتصاد

در روزهای اخیر، خبر عملیات نظامی ایالات‌متحده علیه ونزوئلا و دستگیری نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور این کشور، به یکی از مهم‌ترین تحولات ژئوپلیتیکی تبدیل شده است. این عملیات که آمریکا آن را اقدامی علیه قاچاق موادمخدر و تهدیدات تروریستی معرفی کرده به‌سرعت با واکنش‌های گسترده سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک در سطح جهانی مواجه شده است. یکی از محورهای اصلی بحث‌ها، پیامد این تحولات برای چین و رابطه استراتژیک‌اش با نفت ارزان ونزوئلاست. موضوعی که تحلیلگران مختلف آن را نشانه‌ای از پایان دوره‌ای می‌دانند که پکن از نفت‌خام این کشور آمریکای جنوبی با قیمت‌های ترجیحی بهره‌مند می‌شد.

ونزوئلا یکی از بزرگ‌ترین ذخایر نفت‌خام جهان را در اختیار دارد و طی دو دهه گذشته، به‌ویژه در دوران هوگو چاوز و سپس مادورو، روابط بسیار نزدیک اقتصادی و سیاسی با چین برقرار کرده بود. بخش عمده‌ای از این همکاری، حول محور صادرات نفت به چین بوده که در قالب قراردادهای بلندمدت و با شرایط مالی اعطاف‌پذیر انجام شده است. به‌طوری که پکن نه‌فقط به‌عنوان مشتری بزرگ نفت ونزوئلا

شناخته می‌شد بلکه در پروژه‌های توسعه‌ای و سرمایه‌گذاری نیز حضور قابل‌توجهی داشت. این وضعیت در دوره‌ای به‌نوعی، دوران طلایی نفت ارزان ونزوئلا برای چین تعبیر می‌شد. در این برهه زمانی، پکن توانست با سرمایه‌گذاری گسترده و خریدهای کلان نفتی از کاراکاس، منابع انرژی خود را با قیمتی کمتر از بازارهای جهانی تأمین کند. عملیات اخیر آمریکا اما سوال بزرگ‌تری را پیش روی این محاسبات گذاشته است. آیا با دستگیری مادورو و احتمال تغییر ساختار سیاسی در کاراکاس، این دوره به سر رسیده است؟ پاسخ به این پرسش پیچیده است و باید آن را در چند لایه بررسی کرد. نخست باید اشاره کرد که واکنش چین به این عملیات شدید و انتقادی بوده است. پکن ضمن محکوم کردن اقدام آمریکا به‌عنوان نقض آشکار حقوق بین‌الملل، خواستار آزادی فوری مادورو و توقف تلاشی توصیف‌شده برای براندازی دولت ونزوئلا شده است. در بیانیه‌های رسمی، مقامات چینی این تلاش را اقدامی علیه حاکمیت یک کشور مستقل خوانده و بر ادامه روابط با ونزوئلا تأکید کرده‌اند. این واکنش رسمی، نشان می‌دهد که چین همچنان به منافع‌اش در ونزوئلا اهمیت می‌دهد و نمی‌خواهد این روابط به‌راحتی تغییر یابد. با این حال، دستگیری مادورو و حضور آمریکا در کنترل مستقیم بازار انرژی ونزوئلا، می‌تواند ساختارهای قبلی قراردادهای نفتی را تضعیف کند. دولت آمریکا علناً تأکید کرده که می‌خواهد، دسترسی به نفت و منابع ونزوئلا را برای بازسازی و بهره‌برداری فراهم کند. موضوعی که می‌تواند به‌معنای بازسازی قراردادهای و کاهش امتیازات تاریخی چین باشد. علاوه بر

دیدگاه:تحلیل اقتصادی

پارادوکس بزرگ

چقدر احتمال باخت در بازار رمزارزها وجود دارد؟

وحید حامدی

منبرجم

برای بسیاری از مردم، سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی شبیه راه رفتن روی زمین ناهموار است؛ گاهی مسیر هموار و قابل پیش‌بینی به‌نظر می‌رسد و گاهی هر قدم با عدم قطعیت همراه است. این وضع در بازار رمزارزها به‌مراتب شدیدتر است. کافی است به نوسان قیمت بیت‌کوین یا دیگر رمزارزهای مشهور نگاهی بیندازیم تا روشن شود چرا بسیاری از سرمایه‌گذاران هم‌زمان جذب سودهای بالقوه این بازار می‌شوند و در عین حال از ریسک بالای آن هراس دارند. در چنین شرایطی، ساده‌ترین و رایج‌ترین توصیه این است که دارایی‌ای خریداری نکنیم و آن را برای مدت طولانی نگه داریم؛ روشی که به «خرید و نگهداری» معروف است. این روش از این فرض سساده می‌آید که در بلندمدت، ارزش دارایی‌های خوب افزایش می‌یابد و

این بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که بخش مهمی از ارزش استراتژیک ونزوئلا برای چین نه فقط نفت ارزان بلکه موقعیت ژئوپلیتیکی و روابط بلندمدت با دولتی بود که خود را مقابل نفوذ غرب قرار داده بود. مادورو نماینده این رویکرد بود. کسی که نه‌فقط روابط نفتی بلکه همکاری‌های سیاسی و نظامی را نیز با پکن توسعه داده بود. دستگیری او می‌تواند این معادله را تغییر دهد و فضای جدیدی برای حضور شرکت‌ها و منافع آمریکایی و دیگر بازیگران در بازار انرژی ونزوئلا فراهم کند. اما آیا این به‌معنای پایان قطعی دوران طلایی نفت ارزان ونزوئلا برای چین است؟ پاسخ کوتاه این است که هنوز خیلی زود است، بگویم چنین دوره‌ای به‌طور کامل تمام شده است. چین به‌دلیل وابستگی اقتصادی، ظرفیت



دیپلماتیک و سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده، نمی‌تواند ناگهان از این بازار صرف‌نظر کند. پکن تلاش می‌کند تا نگاه خود را به تنوع شرکا در ونزوئلا، تضمین قراردادهای موجود و در صورت امکان، حفاظت از منافع خود در برابر فشارهای جدید آمریکا، متمرکز کند. با این حال واقعیت این است که ساختار قدرت در ونزوئلا و چارچوب همکاری‌ها به‌طرز چشم‌گیری در حال تغییر است و این تغییر می‌تواند، هزینه‌های بیشتری برای چین در برابر دستیابی به نفت به قیمت‌های ترجیحی ایجاد کند. برخی معتقدند وابستگی چین به نفت ونزوئلا در هیچ مقطعی، حیاتی به‌معنای امنیت انرژی کوتاه‌مدت نبوده اما از نظر راهبردی، مالی و ژئوپلیتیکی اهمیت قابل‌توجهی داشته است. برای درک درست این وابستگی باید میان سهم عددی نفت ونزوئلا در سبد واردات چین و نقش ویژه آن در سیاست انرژی پکن، تمایز قائل شد.

از نظر حجم، ونزوئلا هرگز یکی از سه یا چهار تأمین‌کننده اصلی نفت چین نبوده است. در اوج روابط دو کشور در دهه ۲۰۱۰ صادرات نفت ونزوئلا به چین معمولاً بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار بشکه در روز در نوسان بود. این رقم در بهترین حالت حدود ۵ تا ۷ درصد از کل واردات نفت‌خام چین را تشکیل می‌داد؛ سهمی که در مقایسه با کشورهایی مانند عربستان سعودی، روسیه، عراق یا حتی آنگولا چندان بالا محسوب نمی‌شود. بنابراین اگر صرفاً از منظر کمی نگاه کنیم، چین می‌توانست در صورت قطع نفت ونزوئلا، این کمبود را از بازار جهانی جبران کند. اما اهمیت واقعی نفت ونزوئلا برای چین در کیفیت رابطه، شرایط مالی و ساختار قراردادهای نهفته بود. بخش

بزرگی از صادرات نفت ونزوئلا به چین در قالب توافقی‌های «نفت در برابر وام» انجام می‌شد. چین طی سال‌ها دهها میلیارد دلار وام و خط اعتباری در اختیار دولت ونزوئلا قرار داد و بازپرداخت آن نه به‌صورت نقدی بلکه از طریق تحویل نفت‌خام انجام می‌گرفت. این سازوکار، ریسک قیمتی و ارزی را برای چین کاهش می‌داد و عملاً بخشی از نفت وارداتی را با شرایطی خارج از نوسانات بازار آزاد در اختیار پکن قرار می‌داد. از سوی دیگر، تحریم‌های آمریکا علیه ونزوئلا باعث شده بود این کشور گزینه‌های محدودی برای فروش نفت داشته باشد. در نتیجه، چین در موقعیتی قرار گرفت که قدرت چانه‌زنی بالایی به‌دست آورد؛ چه از نظر قیمت، چه از نظر زمان‌بندی تحویل و چه در زمینه شرایط فنی پالایش. بسیاری از محموله‌های نفت ونزوئلا با تخفیف‌های قابل‌توجه نسبت به قیمت‌های جهانی به چین ارسال می‌شدند هرچند هزینه‌های جانبی مانند حمل‌ونقل طولانی و اختلاط نفت سنگین این کشور با نفت سبک‌تر نیز وجود داشت.

وابستگی چین به نفت ونزوئلا همچنین بعدی ژئوپلیتیکی داشت. ونزوئلا یکی از معدود تولیدکنندگان بزرگ نفت بود که آشکارا در جبهه‌ای مخالف نفوذ آمریکا قرار داشت و همین مسئله آن را به شریک سیاسی مطلوبی برای پکن تبدیل می‌کرد. حضور چین در صنعت نفت ونزوئلا علاوه بر تأمین

انرژی به‌معنای گسترش نفوذ در حیطا خلوت سنتی ایالات متحده بود؛ هدفی که فراتر از محاسبات صرفاً اقتصادی قرار می‌گرفت. با این حال باید توجه داشت که در سال‌های اخیر و پیش از تحولات جدید، میزان صادرات نفت ونزوئلا به چین کاهش یافته بود. افت تولید نفت ونزوئلا به دلیل سوء‌مدیریت، تحریم‌ها و فرسودگی زیرساخت‌ها باعث شد که سهم این کشور در واردات چین نسبت به گذشته کمتر شود. هم‌زمان چین با تنوع‌بخشی به منابع انرژی خود، وابستگی نسبی به هر تأمین‌کننده خاص را کاهش داده بود. در جمع‌بندی می‌توان گفت، چین از نظر حجمی وابستگی بالایی به نفت ونزوئلا نداشت اما از نظر راهبردی و مالی این نفت جایگاهی ویژه در سیاست انرژی پکن داشت. نفت ونزوئلا برای چین نماد دسترسی به منابع ارزان‌تر، قراردادهای بلندمدت خارج از چارچوب‌های غربی و نفوذ ژئوپلیتیکی بود. به همین دلیل، هرگونه اختلال پایدار در این رابطه بیش از آنکه امنیت انرژی چین را تهدید کند، هزینه‌های سیاسی و اقتصادی بلندمدتی برای پکن به همراه خواهد داشت. می‌توان گفت که این رویداد احتمالاً نقطه‌عطفی در روابط انرژی چین و ونزوئلاست اما نه لزوماً پایان مطلق آن. چین با چالش‌های جدیدی مواجه خواهد شد. از بازسازی روابط اقتصادی در یک فضای سیاسی جدید تا رقابت با شرکت‌های آمریکایی و دیگر بازیگران بین‌المللی و اینگونه به‌نظر می‌رسد که دوران بهره‌مندی از نفت بسیار ارزان و امنیت کامل قراردادی برای چین در ونزوئلا به پایان نزدیک شده است هرچند که منافع پکن ممکن است همچنان در قالب‌های متفاوت ادامه یابد.

این ایده‌ها «پارادوکس پاراندو» (Parrondo’s Paradox) نام دارد؛ مفهومی که می‌گوید، ترکیب چند تصمیم یا بازی که به‌تنهایی چندان مطلوب نیستند، می‌تواند نتیجه مثبتی ایجاد کند. این ایده سال‌ها در حوزه‌های نظری مطرح بوده اما پرسش مهم این است که آیا می‌توان آن را در دنیای واقعی به‌ویژه در بازارهای مالی به کار گرفت یا نه؟ بازار رمزارزها با نوسان‌های شدید و رفتارهای گاه غیرقابل‌پیش‌بینی، بستر مناسبی برای آزمون چنین ایده‌ای به نظر می‌رسد. مقاله‌ای که در شماره ۶۲۰ بررسی کرده‌ایم از همین نقطه آغاز می‌شود. نویسندگان به‌جای تمرکز بر پیش‌بینی قیمت یا استفاده از الگوهای پیچیده، تلاش کرده‌اند، بررسی کنند آیا می‌توان با قاعده ساده جابه‌جایی میان چند رمزارز به نتایجی بهتر از خرید و نگهداری رسید؟ آنها با تکیه بر چارچوب پارادوکس پاراندو، استراتژی طراحی کرده‌اند که در آن سرمایه‌گذار میان سه رمزارز مختلف حرکت می‌کند بدون آنکه نیازی به پیش‌بینی دقیق آینده بازار باشد.

اهمیت این رویکرد در آن است که به‌جای فرار از نوسان، آن را به بخشی از رادحل تبدیل می‌کند. نتایج مقاله نشان می‌دهد چنین استراتژی‌ای در بازه‌های زمانی مختلف، توانسته عملکرد بهتری نسبت به روش‌های ساده و رایج داشته باشد. به این ترتیب، مقدمه‌ای که با مثال سساده‌ای آغاز می‌شود به این نتیجه می‌رسد که حتی در بازاری پرریسک همانند رمزارزها، گاهی ترکیب تصمیم‌های به‌ظاهر معمولی می‌تواند، راه تازه‌ای برای مدیریت ریسک و بهبود بازدهی پیش‌روی سرمایه‌گذاران بگذارد.

بحران نظافت شهر

شورای شهر تهران:

شهرداری بر استفاده از یک سیستم ناکارآمد نظافتی اصرار دارد

گروه اجتماعی: دیروز صحن علنی شورای شهر تهران، صحنه طرح انتقادهای صریح اعضای ششورا نسبت به عملکرد شهرداری تهران در حوزههای مختلف بود؛ انتقادهایی که از مدیریت پسماند و نظافت شهری آغاز شد، به عملکرد رسانه‌ای شهرداری و وضعیت مالی شرکت همشهری رسید و در نهایت بار دیگر پرونده قدیمی سیگنالینگ مترو را به مرکز توجه آورد. در ابتدای جلسه، محسن قضااتلو، مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران، گزارشی از اقدامات این سازمان ارائه کرد. او با اشاره به حوادث و نازآرامی‌های روزهای اخیر گفت که سیاست شهرداری «جمع‌آوری نکردن مخازن زباله» بوده و تلاش شده با تخلیه زودتر مخازن از بروز آتش‌سوزی و خسارت جلوگیری شود. به گفته قضااتلو، میزان خسارت وارد شده به مخازن هنوز مشخص نیست اما رویکرد مدیریت پسماند در این مدت، افزایش دفعات تخلیه و حفظ مخازن در سطح شهر بوده است. قضااتلو در ادامه گزارش خود، آمارهایی از وضعیت پسماند تهران ارائه داد؛ از وجود ۴۲ هزار مخزن زباله در سطح شهر گرفته تا تخلیه سه‌باره مخازن در طول روز و حتی پنج بار تخلیه در برخی نقاط پرتدد. او همچنین از فعالیت ۴۵۷ غرفه جمع‌آوری پسماند خشک، افزایش مشارکت شهروندان در طرح «تومان‌د» و انعقاد ۹ هزار قرارداد با بانک‌ها، مجتمع‌های تجاری و نهادهای مختلف برای جمع‌آوری پسماند خشک خبر داد.

انتقاد از «سیستم اشتباه» نظافت شهری

گزارش مدیرعامل سازمان پسماند اما با واکنش انتقادی اعضای ششورا مواجه شد. ناصر امانی، عضو شورای شهر تهران، با تأکید بر اینکه گزارش ارائه شده «اجرایی» بوده، گفت مسئله

معیشت

جراحی سفره‌ها

تاثیر حذف ارز ترجیحی بر زندگی و سفره‌های مردم



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

زمستان امسال برای سفره‌های ایرانی، نه با سرمای هوا، که با داغی بهای کالاهای اساسی آغاز شده است. دولت با ابلغ اطلاعاتی‌ای رسمی، سرانجام تیر خلاص را به ارز ۲۸۵۰۰ تومانی شلیک کرد تا نظام ارزی کشور را به سمت تک‌نرخ‌ی شدن در تالار دوم مرکز مبادله هدایت کند. درحالی که دولتمردان این اقدام را «پایان رانت ارزی» و «اصلاح ساختاری» توصیف می‌کنند، واقعیت‌های میدانی در بازارهای گوشت، مرغ و روغن، روایتگر تولد موج جدیدی از گرانی‌های افسارگسیخته است. سوالی که امروز افکار عمومی و کارشناسان را به شدت درگیر کرده، این است که آیا کالابرگ یک میلیون تومانی در اقتصادی که تورم مواد خوراکی‌اش پیش از این جراحی نیز از ۷۰ درصد عبور کرده بود، می‌تواند نقش یک سپر حفاظتی را ایفا کند یا صرفاً مُسکنی است که پیش از رسیدن به دست مصرف‌کننده توسط غول تورم بلعیده می‌شود؟

پایان یک رویا؛ از ارز ۲۸۵۰۰ تومانی تا تالار دوم

تصمیم اخیر دولت برای حذف ارز ترجیحی واردات نهاده‌ها و کالاهای اساسی در تئوری به دنبال خشکاندن ریشه‌های فسادی است که سال‌ها در ابتدای زنجیره واردات لانه کرده بود. منطق اقتصادی حکم می‌کند که چندنرخ‌ی بودن ارز، سمی برای تولید و مایه رونق دلایلیسم است؛ اما زمان‌بندی و چگونگی این انتقال، پاشنه آشیل سیاست ارزی دولت چهاردهم شده است. با انتقال تقاضای ارزی اقلامی همچون نهاده‌های دامی، روغن خام و حبوبات به تالار دوم (بازار متشکل ارزی)، نرخ تسعیر از ۲۸۵۰۰ تومان به اعدادی در حوالی ۱۳۰ هزار تومان میل کرده است. این جهش چند برابری قیمت ارز پایه به مثابه یک شوک الکتریکی به بدنه بازار است که به سرعت اثر خود را در قیمت مرغ، تخم‌مرغ و لبنیات نشان خواهد داد. سخنگوی دولت درحالی از افزایش «متوسط ۲۰ تا ۳۰ درصدی» قیمت‌ها سخن می‌گوید که تجربه تاریخی

اصلی شهر تهران، نبود یک سیاستگذاری درست در حوزه نظافت شهری است. او تصریح کرد که حتی اگر تمام اقداماتی که سازمان پسماند انجام داده پذیرفته شود، سوال اساسی این است که آیا سیستم فعلی پاسخگوی نیاز امروز شهر تهران هست یا نه؛ و پاسخ او به این سوال «قاطعانه منفی» است. امانی با اشاره به جانمایی مخازن زباله در سال‌های ۸۴ و ۸۵ گفت این سیستم متعلق به حدود ۲۰ سال پیش است؛ زمانی که جمعیت شهر، میزان تولید زباله و گستردگی معابر با وضعیت امروز قابل مقایسه نبود. به گفته او، افزایش جمعیت و تولید پسماند، همراه با تغییر شرایط نیروی انسانی، باعث شده سیستم فعلی کارایی لازم را نداشته باشد و تخلیه چندباره مخازن در روز، خود نشانه ناکارآمدی این مدل است.

تفکیک از مبدأ؛ گره‌ای که باز نشده است

این عضو ششورا در ادامه، به آمار تفکیک زباله از مبدأ اشاره کرد و گفت از ابتدای سال تاکنون، مجموع تفکیک انجام شده حدود ۸۵۰۰ تن بوده که تقریباً معادل تولید زباله یک روز شهر تهران است. او افزود طبق برنامه‌ریزی‌ها، قرار بوده سهم تفکیک از مبدأ از ۸ درصد در سال ۱۴۰۰ به ۱۲ یا حتی ۱۶ درصد برسد اما این عدد اکنون حدود ۱۰ درصد است. امانی تأکید کرد وقتی در نخستین حلقه زنجیره مدیریت پسماند، یعنی تفکیک از مبدأ، این میزان ناکامی وجود دارد، نمی‌توان انتظار داشت مراحل بعدی جمع‌آوری، حمل و دفن یا امحا به‌درستی عمل کند. به گفته او، کل زنجیره دچار اشکال است و هر میزان «بزرگ کردن» وضع موجود، مشکل را حل نخواهد کرد.

همشهری و سیگنال‌های اشتباه رسانه‌ای

در بخش دیگری از جلسه، انتقادهای متوجه عملکرد رسانه‌ای شهرداری شد. اعضای ششورا اعلام کردند برخی مطالب منتشرشده در روزنامه همشهری، به‌ویژه در موضوع سیگنالینگ مترو، خلاف واقع یا ناقص بوده است. جعفر تشکری‌هاشمی، رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورا با اشاره به این موضوع گفت، تلاش شده خرید سیستم سیگنالینگ مترو به یک دوره مدیریتی خاص نسبت داده شود، درحالی‌که این تجهیزات مربوط به قراردادهای دهه ۸۰ و دوره شهرداری محمود احمدی‌نژاد است. تشکری‌هاشمی توضیح داد که سیستم سیگنالینگ پیش از سال ۱۳۹۴ خریداری شده و بخشی از آن از سال ۱۳۹۶ در انبارها باقی مانده است. او تأکید کرد، گزارش رسمی بازرسی شهرداری تهران نیز همین واقعیت را تأیید کرده، اما برخی رسانه‌ها بدون توجه به این گزارش، روایت ناقصی از موضوع ارائه داده‌اند.

زیان انباشته همشهری زیر ذره‌بین شورا

انتقادهای به همشهری تنها به حوزه محتوا محدود نماند. نرجس سلیمانی، رئیس کمیسیون نظارت و حقوقی شورا، در تذکر پیش از دستور خود، به وضعیت مالی این شرکت پرداخت. او با اشاره به اینکه همشهری به‌عنوان یک شرکت سهامی خاص، باید سودآور باشد، گفت این مجموعه در

شکاف فاحش قیمت‌های مصوب و واقعیت بازار

چالش حیاتی دیگر، «نایاب شدن کالا به قیمت دولتی» است. درحالی‌که دولت ۱۱ قلم کالا را مشمول طرح کالابرگ کرده است، داده‌های میدانی نشان می‌دهد که اختلاف قیمت مصوب و بازار آزاد به ارقام نجومی رسیده است. وقتی خانواده‌ها برای خرید یک شانه تخم‌مرغ باید ۶ برابر قیمت رسمی پول بپردازند یا برنج ایرانی با قیمت مصوب ۲۰۰ هزار تومانی در بازار ۳۴۰ هزار تومان معامله می‌شود، کالابرگ الکترونیک عملاً کارایی خود را از دست می‌دهد. تداوم این وضعیت دو خروجی بیشتر ندارد: یا دولت باید مدام قیمت‌های مصوب را بالا ببرد که به معنای شکست طرح کالابرگ است، یا کالاها از قفسه فروشگاه‌های منتخب غیب شده و سر از بازار سیاه در می‌آورند. این دور باطل، یادآور سیاست‌های شکست‌خورده‌ای است که به جای اصلاح زیرساخت‌ها، قصد داشتند با «دستور» قیمت‌ها را کنترل کنند.

اصلاحات زیرساختی یا از این جیب به آن جیب کردن؟

مصطفی هاشمی‌طبا معتقد است که مشکل اصلی اقتصاد ایران، کمبود پول در جیب مردم نیست بلکه نشست عظیم منابع در بخش‌های دیگر است. درحالی‌که دولت به دنبال حذف چند میلیارد دلار ارز ترجیحی برای جبران کسری بودجه است، سالانه حدود ۲۰ میلیارد دلار کالای قاچاق وارد کشور می‌شود و عدم شفافیت مالی بین‌المللی (FATF) هزینه‌های تجاری کشور را به شدت بالا برده است. تا زمانی که دولت شجاعت اصلاح عوامل ریشه‌ای تورم یعنی ناترازی بانک‌ها، رشد نقدینگی و انسدادهای دیپلماتیک را نداشته باشد، توزیع کالابرگ و یارانه صرفاً «از این جیب به آن جیب کردن» است. بودجه ۱۴۰۵ که بذر تورم فردا را همین امروز در خاک اقتصاد می‌کارد، نشان‌دهنده تکرار اشتباهات سال ۱۴۰۱ است؛ جایی که شوک‌های قیمتی پس از چند ماه به سطح عمومی قیمت‌ها نفوذ کرده و فقر را بیش از پیش گسترش دادند.



سال‌های اخیر با زیان انباشته و بدهی‌های قابل‌توجه مواجه شده است. سلیمانی اعلام کرد از سال ۱۴۰۰ تاکنون بیش از ۱۲۵۰ میلیارد تومان بودجه مصوب برای همشهری در نظر گرفته شده، درحالی‌که درآمد عملیاتی چهار سال آن حدود ۸۵۰ میلیارد تومان بوده است. به گفته او، زیان انباشته غیرجاری شرکت به بیش از ۲۳۰ میلیارد تومان رسیده و این وضعیت، تداوم فعالیت همشهری را با ابهام مواجه کرده است.

هشدار درباره حذف معاونت فرهنگی آتش‌نشانی

در ادامه جلسه، نرگس معدنی‌پور نسبت به احتمال حذف معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان آتش‌نشانی شهرداری تهران هشدار داد. او گفت این معاونت نقش مهمی در آموزش شهروندان و کاهش حوادث شهری داشته و حذف آن اقدامی غیرکارشناسی است. معدنی‌پور خواستار توقف این تصمیم و حفظ ساختار فعلی شد.

تأکید بر پرهیز از تنش و سیاسی‌کاری

در پایان، مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران، با اشاره به تکرار مباحث مربوط به سیگنالینگ مترو در دوره‌های مختلف ششورا از اعضا خواست این موضوعات به دستاویز انتقادهای جناحی تبدیل نشود. او تأکید کرد همه دوره‌ها «دوره خودمان» بوده و هدف باید اصلاح روندها و حفظ منافع شهر و شهروندان باشد.

قضایی

بخشش در سایه طناب دار

پدر امیرمحمد خالقی،
قاتل پسر خود را بخشدید

پدر امیرمحمد خالقی، دانشجوی ۱۹ ساله دانشگاه تهران که سال گذشته در جریان یک سرقت خشن در حوالی پل گیشا، جان خود را از دست داد با حضور در دادسرای جنایی تهران از قصاص قاتل فرزندش گذشت. این گذشت در جریان جلسه رسمی صلح و سازش و با وساطت مسئولان قضایی انجام شد. پدر مقتول شرط کرده است که قاتل دو روز در هفته به انجام کارهای عام‌المنفعه ملزم شود. قاتل نیز در این جلسه با قرائت قرآن اعلام کرد در رفتار و مسیر زندگی خود تجدیدنظر کرده است.

پرونده قتل امیرمحمد خالقی از زمان وقوع، بازتاب گسترده‌ای در افکار عمومی داشت. این دانشجوی نخبه شامگاه ۲۴ بهمن سال گذشته، هدف حمله دو سارق موتورسیکلت‌سوار قرار گرفت و پس از انتقال به بیمارستان جان باخت. دستگاه قضایی با سرعت وارد عمل شد و هر دو متهم ظرف کمتر از ۲۴ ساعت شناسایی و بازداشت شدند. پس از رسیدگی قضایی، یکی از متهمان به اعدام و قاتل اصلی به قصاص نفس محکوم شد. حکم قصاص قاتل اصلی در دیوان عالی کشور نیز تأیید و زمان اجرای آن برای صبح ۲۳ مهرماه تعیین شده بود.

با وجود این، درست در آخرین لحظات پیش از اجرای حکم، پدر امیرمحمد به‌طور ناگهانی از حق قصاص صرف‌نظر کرد و اجرای حکم متوقف شد. به گفته مسئولان قضایی، این تصمیم پس از گفت‌وگوهای متعدد و در فضای پای چوبه‌دار اتخاذ شد؛ جایی که پدر مقتول با قرائت آیاتی از قرآن، فضای جلسه را تغییر داد و به قاتل فرزندش دو ماه مهلت داد تا برای جلب رضایت نهایی تلاش کند.

در این مدت، پرونده وارد مسیر صلح و سازش شد و سرانجام گذشت قطعی اعلام گردید. مسئولان قضایی این تصمیم را در چارچوب حقوق قانونی اولیای‌دم ارزیابی کرده و تأکید کرده‌اند که قصاص و گذشت هر دو از حقوق مسلم خانواده مقتول هستند. براساس آمارهای رسمی قوه قضائیه، هر سال صدها پرونده قتل با رضایت اولیای‌دم به صلح و سازش منتهی می‌شود، اگرچه بسیاری از این موارد بازتاب رسانه‌ای گسترده پیدا نمی‌کنند.

